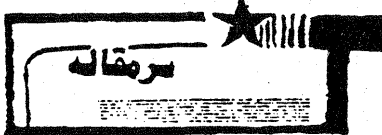


سیاهکل

آغاز فعالیت جنبش نوین کمونیستی ایران



قیام بهمن

وقدرت سیاسی

تداوم کشاکش انقلاب و ضد انقلاب که قیامی مجدد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را همچنان در چشم انداز قرار میدهد از یک سو و فرا رسیدن پنجمین سالگرد قیام توده‌های بهمن ماه که منجر به استقرار رژیم جمهوری اسلامی شد از سوی دیگر، لزوم بازنگری مجدد به مسأله اساسی انقلاب یعنی قدرت سیاسی را دو چندان میکند .
بقیه در صفحه ۲

بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در جنبش کمونیستی ایران ترسیم کردند . آنها نه تنها با آغاز عملیات مسلحانه، فصل نوینی از تاریخ ایران را پس از کودتای ۲۸ مرداد بنیان نهادند و نقطه عطفی در بقیه در صفحه ۳

تا کنون حماسه سیاهکل از تروایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته ، اما اکنون در سیزدهمین سالگرد این حماسه خونین ، به جنبه‌ای که از اهمیت ویژه‌ای در شرایط کنونی برخوردار است میپردازیم . این جنبه همانا خطوط مرزی بود که حماسه آفرینان سیاهکل

برخی از جوانب قیام

وجود اینکه بحران اقتصادی در سالهای ۵۶-۵۷ به اندازه کنونی عمیق و وخیم نبود و آگاهی و تجربه سیاسی توده‌ها در مقابل بقیه در صفحه ۷

چرا توده‌ها قیام نمیکنند؟ چندی است که این سؤال در اذهان عمومی نقش بسته است ، بسیاری می‌پرسند که چگونه با

دربارهٔ طبقه بندی مشاغل

در چند ماه اخیر حرکاتی از سوی کارگران در جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است که چند مورد آن از جمله حرکت کارگران در این مورد در بهار

در این شماره

● یادداشت‌های سیاسی

● پاسخ به سوالات

● اطلاعیه

کمیته‌های اعتصاب را برای برپائی يك اعتصاب عمومی سیاسی ایچکار کنیم

قیام ۲۲ بهمن ماه بمشابه نقطه اوج انقلاب برای چه بود؟ پاسخ هر چه باشد، اینک اما، توده‌های بسیاری پس از گذشت ۵ سال از برآمد انفجار آموزشان در بهمن ماه‌ها کوله باری از تجربه و درد و رنج به روزهای پر شکوه تمام می‌اندیشند و به روزهای تاریک و دهشناک کنونی، دیگر بسیاری از آنان به این امر واقف گشته‌اند که عامل تعیین کننده گذار از روزهای پر از امید بهمن ماه به روزهای فقر و نکبت و سیه روزی حال، قدرت سیاسی حاکم بوده است. این وقوف عام، اما هنوز الزاماً بمعنای درک مشخص توده‌ها از قدرت سیاسی نیست. توده‌های میلیونی عامل کلیه مصائب خود را رژیم جمهوری اسلامی میدانند و به ضرورت سرنگونی این قدرت سیاسی حاکم رسیده‌اند. آنها همچنین بنا به تجارب، خواستها و غرایز طبقاتی‌شان به خطوط عام آن قدرت سیاسی که باید جاگزین قدرت سیاسی کنونی شود واقفت. لیکن وقوف به اینک مشخصاً کدامین نوع از قدرت سیاسی ظرفیت و توان پاسخگویی به خواستهای آنها را دارد، هنوز بطور کامل حاصل نشده است. اگر چه توده‌ها طی سالهای ۵۷ و ۵۸ بطرز شگرفی به ساله نزدیک شدند و تجربه‌های گرانقدر کسب کردند، اما در وجه غالب در ذهنیت آنان جمعبندی جامعی از این تجربه‌ها صورت نگرفته و وقوف‌عامشان نسبت به نوع قدرت سیاسی به درکی مشخص متحول نشده است.

قیام بهمن و ...

توده‌ها بنا به تجارب خود، بنا به مطالبات و غرایز طبقاتی خود و در زمینه او جگیری و گسترش مبارزات انقلابی توده‌های، بطور کلی و تا حد و دی‌به شناخت از قدرت سیاسی نائل میشوند، و در زمان مناسب حتی تا درجه‌ای و به نوعی به تشکیل دولت میپردازند. با وجود این تاریخ مبارزات طبقاتی در سطح جهانی و نیز جنبش انقلابی - توده‌های ایران در سال ۵۷ به‌عینه نشان داد که تا زمانی که توده‌ها به درک حداقلی از ماهیت قدرت سیاسی دست نیابند، تا زمانی که آنها حداقل شناختی از ماهیت طبقاتی دولت نداشته باشند، تا زمانی که برای آنها مشخص نشود باشد که دقیقاً کدامین نوع از قدرت سیاسی میتواند منطبق با مطالبات انقلابی آنان باشد، پیروز، قطعی انقلاب نامیبر است. عواملی که ناگونی در رهنمون توده‌ها به ساله قدرت سیاسی و تسولن کسب و نگهداری آن موثر است که در این میان نقش نیروهای پیشاهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اینرو همواره توضیح نقش قدرت سیاسی در سرنوشت توده‌ها و زندگی اجتماعی در مرکز ثقل تبلیغ و ترویج نیروهای پیشاهنگ قرار دارد. اما نحوه تبلیغ و ترویج این ساله خود به شرایط ذهنی توده‌ها مرتبط است. اگر در بحبوحه بعد از قیام، بعلمت توهم گسترده توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و مشخصاً شخص

خه‌ینی، تبلیغ و ترویج آترناتیو انقلابی قدرت سیاسی، در وجه عمده از کانال افشای ناتوانی رژیم در پاسخگویی به مطالبات توده‌ها میگذاشت حال که دیگر نفی رژیم توده‌گیر شده، مسئله آترناتیو قدرت سیاسی و پذیرش توده‌های آن بطور مستقیم به ساله درجه اول و سرنوشت ساز انقلاب مبدل شده است. اکنون، اما، شرایط با سال ۵۷ کاملاً متفاوت است. تجارب ۵ سال گذشته و به ویژه تجارب روزهای مهام و پس از آن ضمن آنکه توده‌ها را از دوران رکود و رخوت سیاسی گذشته جدا ساخته و آنها را به درک و پذیرش آترناتیو انقلابی قدرت سیاسی نزدیک ساخته است. دستاویزهای عظیمی را برای نیروهای پیشاهنگ جهت تبلیغ و ترویج نقش و ماهیت قدرت سیاسی فراهم نموده است. این چنین زمینه‌های مساعدی در پذیرش آترناتیو انقلابی از سوی توده‌ها تا به این درجه از گستردگی و عمق در دوران تدارک قیام سال ۵۷ وجود نداشت. طی ۵ سال گذشته، بیش از هر زمان دیگری، طبقات و اقشار مختلف اجتماعی توان تاریخی و طبقاتی خود را در عرصه کارزار مبارزات طبقاتی به نمایش گذاشتند. دیگر زمینه‌های آن گیحسری توده‌های که حتی نیروهای انقلابی را هم تا درجه‌ای در خود غرق کرده بود همزمان زیادی در هم شکستند و ضعیف شده است. آن در هم آمیختگی نسبی طبقات که نقطه قوت جنبش در تسریع سرنگونی بود و در عین حال و بطور مهمتر و

بقیه در صفحه ۱۱

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



سیاهگل، آغاز...

بر جنايات رژيم سرپوش مينهادند و روياي سمت گمري سوسياليستي رژيم جمهوري اسلامي را با بستن چند قرارداد با اتحاد شوروي و ديگر کشورهاي سوسياليستي و يا تا بهيد قراردادهاي بسته شده در زمان شاه، تحقق يافته مينداشتند. دليل عدم تدقيق مواضع ايدکولژيک سازمان پس از قيام آنها از طريق عنصر خائن و خودفروشي چون فرخ نگهدار و همپالگي هاي وي، حيله گرانه و مزورانه، خط و مشي اهورتونيستي خويش را بدرون سازمان رسوخ دادند و انشعاب سال ۵۹ را پديد آوردند که جرياني موسوم به "اکثريت" بخشى از توده هاي نا آگاه تشکيلات را بدنياي خويش کشانيد. اين حرکت بقدرى مزورانه و گام به گام صورت گرفت که بجز کادرهاي رهبرى "اکثريت"، اکثر اعضا و هواداران آن تصور نميکردند که توده اي شده اند و حتى برخى از آنها ميگفتند اگر بد انيم روزى توده اي شده ايم خود کشى ميکنيم! سمين مسئله وحدت اين جريان با حزب توده مطرح شد. عناصرى که خوب شستشوي مغزى شده و کاملاً مسخ شده بودند در صف موافقين قرار گرفتند و آنهاي که هنوز با اصطلاح خود را توده اي نميانستند در صف مخالفين جاى گرفتند و با اين ترتيب "اکثريت" دوباره شد و دسته اول به جريان فرخ نگهدار و دسته دوم به کشتگري معروف شدند. البته اين معروفيت در ميان روشنفکران مطرح بود. در ميان توده ها تنها جريان فدائى سازمان بود

که بخشى از رهبران و کادرهاي سازمان بشهادت نرسيدند. بزرگترين ضربه وارده بر سازمان در سال ۵۵ پيش آمد که تمامى رهبرى سازمان و از جمله فدائى کبير حميد اشرف در محاصره دژ خيمان ساواک شاه قرار گرفتند و طى حماسه آفرينى هاي خود در مهرآباد جنوبي و پس از يسک درگيري چند ساعته بشهادت رسيدند اما عليرغم تمامى ضربهات سازمان همچنان به حيات پر - افتخار خود و بر اساس خط و مشى انقلابى خود تداوم بخشيد و سرانجام در جريان قيام پر - شکوه خلق با شرکت همه جانبه و در حد توان، توده ها را در تصرف پادگانها، راديو تلويزيون، کلانترها و ... يارى رسانيد و شهادتى نيز تقديم انقلاب کرد. اما سه ماه پس از قيام بهمن ۵۷، بار ديگر سر و کله حزب مخالفين توده نمايان شد و رهبران حزب، بار ديگر دار و دسته رسواى خود را براه انداختند و کسب و کارشان بار ديگر رونقى گرفت اينبار تنها گويان شاه و مدعيان "سمتگمري سوسياليستي شاه" به ثنا گوىي خصمى و دار و دسته اش بدل شدند آنها از همان ابتدا فعاليتهاى انقلابى سازمان را مورد انتقاد قرار دادند و شرکت سازمان در جنبش انقلابى خلق کرد و همپاى سازمان را در تشکيل شوراهائى خلق ترکمن "جپ روانه" و "خيانت ... تو حميد ميکردند

حرکت پيسترو انقلابى در آن مقطع زماني پديد آوردند. بلکه از همان ابتدا خط و مرز روشنى بين کمونيستهاى واقعى و اهورتونيستهاى رنگارنگ و فرميست و رويزونيستها ترسيم کردند. پس از قايم ۲۸ مرداد و پس از خيانتهاي بي شرمانه خائنين حزب توده و تبليغات زهر آگين رژيم شاه مبنى بر کمونيست قلمداد کردن آنها، ۱۹ بهمن ۴۹ بيانگر طرد رويزونيستهاى يک دوره تاريخى و آغاز فعاليتهاى کمونيستهاى راستين بود که با نثار خون خويش، سنگ بى آبروشى کمونيست نماها را شست و حيثيت جنبش کمونيستى را به بهاي فداكارها، از خود گذشتگيها و جاننازيهاى بهترين فرزندان خلق بازگردانيد. اين روند تا مقطع قيام خونين خلق يعنى طى ۸ سال، عليرغم سرکوبهاي بي وقفه دژخيمان شاه تداوم يافت در ششگانه گاهنگاه رژيم شاه، فدائيان خلق از رهبران گرفته تا کادرها، اعضا و هواداران، حماسه ها آفريدند و با مقاومتها دليرانه خود سنت فدائى خلق را جاودان داشتند. تلاشهاي مزدوران شاه براي بزاندرد آوردن فرزندان خلق و بر گزارى نمايشات تلويزيونى بشکست انحاميد. رفقاى ما با آغوش باز و سرود رهائى خلق به پيشواى مرکز ميشتافتند و به حوخي هاي اعدام پوز خند ميزدند اما سازش نميکردند. پس از سرکوبهاي سال ۴۹ و ۵۰

پروزياد مبارزات ضد امپرياليستي و مگراتيک خلقهاي ايران

سیاهگل، آغاز فعالیت

که همچنان علی‌رغم تمامی اینگونه خیانتها، خط و مرز خود را با اپورتونیسم حفظ کرده و بفعالیت انقلابی خود قاطعانه ادامه میداد. بطور کلی توده‌ها نه بر اساس تئوری که بر مبنای غرایز طبقاتی خود بدستی "اکثریتی" ها را همان توده‌ایها می‌دانستند! و امروز هواداران عقب مانده آنها تازه باین واقعیت واقف گشته‌اند. بهر رو علاوه بر حزب توده، "اکثریت" (مرد و جناح) بر ثنائی گو بیان رژیم اقتزوده شد و آنان نیز بدنبال تئوریهای رونیونیستی راه رشد غیر سرمایه داری و گذار مسالمت آمیز و رقابت اقتصادی و روان شدند و اکنون نیز در اوین تئوریهای شکست خورده خود را در محک آزمایش نهادند!

رژیم جمهوری اسلامی همچون خلف خود رژیم شاه و همچون همه رژیمهای ارتجاعی و ضد حلفی، سرکوبهای وحشیانه خود را از سازمانهای فعال و انقلابی آغاز کرد و سرانجام نوبت به حزب توده و نوجوه هایش یعنی اکثریتی هار رسید آنها که دوشادوش رژیم و مزد و رانش در خیانت به انقلاب و انقلابیون کوشا بودند بدامی افتادند که خود نیز سهمی در ایجاد و تقویت آن داشتند و سرانجام نمایشات تلویزیونی پایان حیات ننگین این رژیم جمهوری اسلامی تلاش گسترده و تبلیغات وسیعی را سازمان داد تا همچون رژیم شاه

توده‌ایها را کمونیست قلمداد نماید اما توده‌ها طی ۱۳ سال مبارزه خونین سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران بخوبی کمونیستگیا واقعی را از کمونیست نماها باز می‌شناختند و خیمه شب‌بازیهایی رژیم کارائی چندانی ندارد. نمایشات تلویزیونی رهبران حزب توده که بدون استثنا در صحنه حاضر شدند و نقش‌های تعیین شده را در تئاتر رژیم ایفا کردند، بار دیگر بوسیدگی و گندیدگی این تشکیلات را بنمایش نهاد. تبلیغات مدافعین آنان در خارج از کشور حاکی از آنست که آنها تحت فشارهای روحی و جسمی و شکنجه‌های وحشیانه تن به چنین خفتی داده‌اند، اما مگر فدائیان دلاوری که طی همین سه سال اخیر سرکوبی رفته رژیم جمهوری اسلامی لب ننگشودند و حتی آدرس خانه مسکونی خویش را نیز به دشمن ندادند کمتر از آنان شکنجه شدند. طی سه سال اخیر تعدادی از بهترین رفقای کادر رهبری سا زمان زیر شکنجه‌های قرون وسطائی رژیم بشهادت رسیده‌اند. از اسفند ۶۰ تا کنون ما بارها مورد تهاجم رژیم قرار گرفتیم و تعدادی از رفقای ما که برای رژیم شناخته شده بودند در تورهای خیابانی زنده به چنگ رژیم افتادند اما مقاومتی حماسه آفرین رفقا، نه تنها امکانات سازمانی را حفظ کرده‌است بلکه هر ضربه در محدوده خود باقیمانده و این نشانگر ایمان و اعتقاد رفقای

ما به آرمانهای والای سازمان و عشق عمیق آنان به توده‌ها و تداوم مبارزه بوده‌است. طی سه سال اخیر تنها یک مورد خیانت و خود فروشی در سطح کادرها بالا و اعضاء سازمان داشته‌ایم که همان احمد عطااللهی خائن بوده‌است. طل و ریشه‌های این مورد استثنائی نیز کاملاً روشن است که مهمترین آن خلا ایدئولوژی بوده‌است وی در مقطع ضربات دچار خلا ایدئولوژیک بود زیرا از یکسو خط و مشی سازمان و مواضع ایدئولوژیک سیاسی سازمان را نفی میکرد و از سوی دیگر هر چند تحت تاءثیر تفکرات تروتسکیستی (الف - ر) قرار داشت اما هنوز حتی به آن مواضع نیز کاملاً دست نیافته بود، در چنین شرایطی ضربات اسفند ۶۰ پدید آمد و او به خیانتی عظیم تن داد و با خود فروشی خود و همکاری همه جانبه‌اش با مزدوران رژیم چند تن از بهترین رفقای کادر مرکزی و اعضاء را به چنگال رژیم افکند.

با اعتقاد ما مهمترین عامل که موجب میشود تا سخت‌ترین شکنجه‌ها قابل تحمل گردد، ایمان و اعتقاد به ایدئولوژی و انقلابی بودن آن ایدئولوژی و هدفمند بودن مبارزه و ارتقاء فرد تا سطحی است که به یک مبارزه تا پای جان دست زرد طبیعی است که فرصت طلبان و دنباله‌روان که اساساً استقلال فکری و ایدئولوژیک ندارند و عملاً نیز ابطال لاطایلات خود را در روند مبارزه طبقاتی مشاهده میکنند، با کوچکترین فشار درهم شکسته و تسلیم دشمن میگردند و تا بقیه در صفحه

جاودان باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق

پاسخ به سوالات

کار و کارگران و زحمتکشان و هواداران

بدنهال درج مقاله "آلترناتیو - پرولتری و مسئله تصرف قدرت" بندرج در کار شماره ۱۷۱ و مقاله "سبک کار خرده بورژوازی" بندرج در کار ۱۷۲، سوالاتی برای برخی از رفقا کمیته کارگری در مورد هر مورد به خورده - بورژوازی مطرح گردید که از سوی مسئولین مربوطه پاسخهای لازم داده شد و در عین حال سوالات و پاسخ های آن برای تحریریه کار ارسال شده است. از آنجا که پاره ای از سوالات در ارتباط مستقیم با مسائل کنونی انقلاب و وظایف پشاهنگ قرار میگیرد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و همچنین ممکنست برای برخی رفقای هواداران نیز مطرح باشد، به درج نوموید از آنها که عمومیت بیشتری دارند و پاسخهایشان خواهیم پرداخت و از هر خورد های انقلابی و موشکافانه و خلاقانه رفقا در مورد مقالات کار قدر دانی میکنیم و منتظر نامه های بعدی رفقا هستیم. و اما دو سوال از عمومیتترین سوالات بشرح زیر است:

۱- با توجه به وحدت مجاهدین با بورژوازی لیبرال و پذیرش و ارائه برنامه بورژوا فرمیستی "میثاق" و برنامه دولت موقت و تشکیل جبهه بورژوائی "شورای ملی مقاومت" باز هم میتوان مجاهدین را در صف خرده - بورژوازی انقلابی و دمکرات قرار داد و متحد انقلاب دانست؟

۲- در صورت منفی بودن سوال فوق آنها مرحله انقلاب (با خارج

شدن خرده بورژوازی دمکرات (مجاهدین) از صف انقلاب و پیوستن آنها بصنف بورژوازی) سوسیالیستی ارزیابی میشود یا خیر؟

رفقا! هنگامیکه اولین کنگره سازمان قطعنامه مربوط به احزاب سیاسی و "شورای ملی مقاومت" را تصویب کرد، زمانی بود که رهبری مجاهدین با بورژوازی لیبرال عهد میثاق بسته بودند. توده های هواداران مجاهدین در آن مقطع که میثاق انتشار یافت در مقابل عملی انجام شده قرار گرفتند چرا که قبل از وقایع ۳۰ خرداد که از سوی مجاهدین دفاع آشکار از بنی صدر مطرح شده بود، ما زمان مجاهدین برای هواداران خود چنین استدلال میکرد که بنی صدر گرچه نماینده بورژوازی است اما در مقابل حزب ارتجاعی حاکم یعنی جمهوری اسلامی باید موقتا از وی حمایت شود و قدرت وی در ریاست جمهوری باقی بماند و همچنین معتقد بود و یا چنین القا میکرد که باید از تضادهای دو جناح حاکم استفاده شود. اما پس از اصلاح برنامه شان و سپس "برنامه دولت موقت" مشخص شد که وحدت آنها با بنی صدر وحدتی موقت و تاکتیکی نبوده است و حتی در تقسیم مقامها "رئاست جمهوری" برای بنی صدر منظور گردید. در آذر ماه ۶۰ که کنگره سازمان برگزار گردید، قطعنامه زیر تصویب رسید:

این سازمانهای سیاسی (دمکرات انقلابی از جمله مجاهدین) از منافع طبقاتی و تمایلات لایه های پائینی و متوسط خرده بورژوازی دفاع میکنند، دارای خصوصیات انقلابی بوده و در مرحله انقلاب دمکراتیک جزء نیروهای انقلابی محسوب میشوند اما در عین حال باید علیه نا پیگیری آنها مبارزه کرد. و در مورد "شورای ملی مقاومت" قطعنامه کنگره "شورا" را ائتلاف میان بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی و مغایر با منافع انقلاب و پیروزی قطعی انقلاب ارزیابی میکند. موضع پرولتاریا را پافشاری روی دمکراسی پرولتری، مبارزه در جهت درهم شکستن ائتلاف لیبرالها و دمکراتها و جدا کردن دموکراتهای انقلابی از لیبرالها میدانند. از اینرو برنامه بورژوا فرمیستی آنها بنده تازه ای نبوده و در مقطع کنگره نیز با توجه بهمین برنامه، مصوبات فوق تصویب شده است.

کمونیستها بر این واقعیت واقفند که در شرایط ضعف سازمانها و کمونیستی، خرده بورژوازی سمت بورژوازی گرایش مییابد. این گرایش از فروست که خرده بورژوازی اساساً برنامه مستقلی ندارد و بنا بر این بین بورژوازی و پرولتاریا در نوسان است. هر چند منافع طبقاتی اقشار پائینی و میانی خرده بورژوازی بالاخص در جوامع با ساخت سرمایه داری وابسته و در نزدیکی و پیوند با پرولتاریا بقیه در صفحه ۴

امانآگاهی او بمنافع واقعی اش را
 را بسمت بورژوازی سوق میدهد
 همچنانکه متذکر شدیم منافع
 طبقاتی خرده بورژوازی بالاخص
 لایه های پائینی آن چنین وحدتی
 را ایجاد نمی کند و روند مبارزه
 طبقاتی بویژه سازمانیابی طبقه
 کارگر، این پیوند را میگذرد و حتی
 اگر رهبری چنین جریاناتی بخواهند
 این پیوند را حفظ کنند، توده ها
 مدافع حریف یعنی پایگاه اجتماعیشان
 را از دست خواهند داد. از
 این رو این وحدت که اکنون در
 " شورای ملی مقاومت" متجلی
 گردیده از آنجا که منطبق با
 منافع توده هائیت در روستا
 گسترش مبارزه طبقاتی و در شرایط
 همزونی پرولتری بر جنبش و
 تبلیغ برنامه عمل پرولتری در مرحله
 انقلاب دمکراتیک و واقف ساختن
 خرده بورژوازی بمنافع تاریخی اش
 این پیوند "قطعاً" در هم
 خواهد شکست. بدین دلیل است
 که معتقدیم خرده بورژوازی متحد
 ما در انقلاب دمکراتیک توده ای
 آتی خواهد بود. اما روند جدا
 سازی ما زمان مجاهدین از این
 پیوند، از دو طریق میسر است که
 در ارتباطی لاینفک با هم قرار
 دارند: از یکسواشای تزلزلات
 خرده بورژوائی و افشای برنامه
 بورژوا فرمیستی آنها و از سوی
 دیگر متشکل کردن و سازمان دادن
 طبقه کارگر به شایه طبقه تا با خسر
 انقلابی، تشکیل حزب کمونیست
 و اعمال همزونی عملی پرولتاریا
 بر جنبش. ما بر این اعتقادیم که
 باید خرده بورژوازی را از بدل

شدن به دنبالچه و زائده بورژوازی
 باز داشت و در این راستا تا
 کنون قاطعانه حرکت کرده ایم.
 هرگونه سکوت در مقابل تزلزلات
 خرده بورژوازی، عدم افشای مآشات
 طلبی آن با بورژوازی نه تنها
 بمنزله تقویت صفوف انقلابیست،
 بلکه قطعاً موجب تضعیف انقلاب
 می باشد. چرا که سکوت در مقابل
 برنامه های بورژوائی آنان به
 مفهوم خیانت به منافع طبقاتی
 خرده بورژوازی محسوب میشود.
 واقعیت اینست که روی کار آمدن
 رژیم با ترکیب کنونی " شورای ملی
 مقاومت" هر چند تفاوتی با
 رژیم جمهوری اسلامی دارد یعنی
 بجای خرده بورژوازی سنتی مرفه
 خرده بورژوازی جدید و بجای
 بورژوازی تجاری، بورژوازی لیبرال
 قرار دارد اما اساساً چنین ترکیبی
 یعنی وحدت بورژوازی و خرده -
 بورژوازی چیزی جز تحقق منافع
 بورژوازی نخواهد بود حتی اگر
 عناصری از خرده بورژوازی به
 پستهای نیز برگمارده شوند
 عملاً به زائده بورژوازی بدل میگردد
 و اما در مورد سوال دوم، هم
 چنانکه در پاسخ سوال اول گفته
 شد، پافشاری مجاهدین بر وحدت
 با بورژوازی ب مفهوم خارج شدن
 سازمان مجاهدین از صف انقلاب
 نخواهد بود.
 آنچه که اکنون شاهد آنیم پدیده
 غیر منتظره ای نیست چرا که
 خرده بورژوازی زمانیکه آلترناتیو
 پرولتری در جامعه از قدرت و
 توان لازم بر خوردار نیست بسمت
 بورژوازی گرایش مییابد و با وی
 متحد میگردد و طی بارها در تاریخ
 مبارزه طبقاتی شاهد بوده ایم
 که زمانیکه توازن قوا بهم می خورد

و پرولتاریا به وزنه ای بدل میگردد
 ، خرده بورژوازی بدان جهت
 سوق پیدا میکند. برخی ساده نگار
 زمانیکه خرده بورژوازی به بورژوازی
 گرایش نشان میدهد، چنین
 می اندیشند که خرده بورژوازی
 بورژوازی شده است و یا برعکس
 هنگامیکه بسوی پرولتاریا میاید
 و با وی وحدت میکند، چنین
 میبندارند که خرده بورژوازی به
 پرولتاریا بدل شده است.
 حال آنکه باید خرده بورژوازی را
 با توجه به نقش اقتصادی سیاسی
 و موقعیت مشخصی که در آن
 لحاظ مناسبات طبقاتی جامعه
 قرار دارد در نظر گرفت.
 خرده بورژوازی بدون اتحاد با
 پرولتاریا قادر نیست نقش انقلابی
 خود را ایفا کند و به اهداف
 خواستهای خود دست یابد
 این یک واقعیت انکار ناپذیر است
 اما در این میان بورژوازی نیز
 خواستار وحدت با خرده بورژوازی
 علیه پرولتاریاست و در شرایط
 ضعف پرولتاریا موفق میشود بدین
 خواست تحقق بخشد. اما روند مبارزه
 طبقاتی این اتحاد را می شکنند و اما
 مرحله انقلاب با چنین پیوندهائی
 تغییر نمی یابد بلکه مجموعه
 عواملی که مرحله انقلاب را تعیین
 میکند تا حل تضادهای آن مرحله
 از انقلاب پا برجا خواهد بود و
 این ما زمانهای سیاسی مدافع
 توده ها هستند که در جریان
 مبارزه طبقاتی ناچار میشوند یا در
 جهت منافع تاریخی پایگاه اجتماعی
 خود گام بردارند و یا بزوال و
 نابودی کشانده شوند.



برخی از ...

با شرایط کنونی نسبتاً کمتر بود توده ها بر خاستند و رژیم شاه را سرنگون کردند، ولی اکنون با وجود بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و داشتن آگاهی و تجربه بسیار بر نمی خیزند و قیام نمیکنند برخی کیش شخصیت خمینی و باقی مانده وفاداری ناشی از توهم توده های عقب مانده به وی را مانعی بر سر راه قیام مردم میدانند آنها چنین استدلال میکنند که تا خمینی زنده است تناقضات درونی رژیم اوج نخواهد گرفت و دستگاه اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی همچنان بر سر توده ها باقی خواهد ماند و توده ها نیز بعزت ترس و وحشت از "برادر کشی" و یا اینکه به علت وجود بخشی از توده های عقب افتاده ای که هنوز نسبت به خمینی وفادار هستند، از قیام و خیزش خود داری می ورزند . استدلال فوق از آنجائیکه روند اجتماعی - اقتصادی را تابع کیش شخصیت میکند و بر اساس آن (و نه نقش تاریخی - اقتصادی آن شخصیت) نتیجه گیری میکند به جمع بندی غلطی میرسد .

ما قبلاً نیز در سری مقالات "در تدارک قیام" مکرراً بر این نکته تأکید کرده ایم که قیام همچنان هر پدیده دیگر اجتماعی تابع قوانین معین است . درست است که بحران اقتصادی بسیار عمیق است و آگاهی توده ها و تجربه آنها بسیار زیاد گشته است، ولی هنوز شرایط برای قیام کاملاً آماده نشده است . در سال ۵۷ بعزت وجود آلترناتیو ورهیری توده ای، قیام

توده ای شکل گرفت ولی اکنون با وجود پتانسیل انقلابی توده ها و بعزت عدم وجود آلترناتیو ، این روند خیلی کند به پیش می رود قوانین حاکم بر قیام، خارج از اراده هر فرد و نیروی اجتماعی و حتی طبقه ای عمل میکند و این طبقه یا نیروی اجتماعی یا فرد است که تابع آن قوانین می باشد و بر اساس آنها عمل میکند .

شخصیت خمینی نیز مانند هر فرد دیگری تابع قوانین اجتماعی است . نگاهن اجمالی به روند شکل گیری شخصیت خمینی همثابه یک "رهبر توده ای" افت و تبدیل شدنش به دشمن اصلی همان توده هایی که وی را رهبر می شمردند، گواه انکارنا پذیر چنین جمع بستنی است که خمینی نیز برای این قوانین عمومی نبوده و نیست . اکنون نیز قوانین عمل میکنند . خمینی و کیش شخصیت وی قادر نیست تناقضات درونی هیئت حاکمه را که بیان منافع مختلف طبقاتی و حاکی از تناقضات عمیق جامعه است از حرکت باز دارد . اگر در متلور شدن اختلافات درونی گاهها" وقفه ای می بینیم، نه بعزت کیش شخصیت وی، بلکه از آنروست که هنوز تناقضات، امکان انکشاف دارند . ما بارها در این مدت کوتاه شاهد بوده ایم که خمینی مجبور شده تابع حرکت های درون جامعه گردد و نتوانسته است از اختلافات درون هیئت حاکم (با وجود تمامی همشدارهایش که شدت گیری و پرور غلطی اختلافات تا بودی اسلام است و نا بودی اسلام نا بودی جمهوری اسلامی است) جلوگیری بعمل آورد . روند تکوین اختلافات

درونی ها وجود خمینی باید و وجود وی رشد خواهد کرد . انفجارها خفیف به انفجارهای قوی علیرغم تبلل خمینی بدل خواهد شد . چنانکه تا کنون اینچنین بوده است . اگر چه در مواقعی وجود خمینی سبب شده که اختلافات دیرتر آشکار شود و با در مراحل تا اندازه ای به کشاکش های ناهود کننده منجر شود ، لیکن وجود خمینی نتوانسته و نمی تواند ریشه های این تناقضات را که به اشکال مختلف بروز میکند بخشکند . بعبارت دیگر، تکوین و رشد این روند علیرغم تبلل خمینی و با وجود وبدون وجود وی بمعنی ناپدیده گرفتن نقش خمینی در چگونگی تطور روند فوق و موازنه قدرت درونی و چگونگی انفجار نیست . برای نمونه میتوان گفت که در صورت عدم وجود خمینی، جناحهای رقیب سریعتر دست به اقدامات بسیار غلطی و آشکار میزدند .

با وجود این روند فوق نیز به بن بست خواهد رسید و روزی فرا میرسد که علیرغم حضور خمینی جناحهای رقیب آشکارا بجان هم افتند . وجود خمینی همچنان که هم اکنون شاهد آنیم، بمعنی از بین رفتن اختلافات درونی و با حتی تعدیل آنها نیست بلکه بدین معنی است که در موازنه قدرت حاکم، هنوز هم تا حدی نقش میانجی را ایفا میکند .

هر چند که طبقات حاکم برای تداوم حکومت متزلزل خود، او را ما فوق طبقات و فارغ از منافع خاص طبقاتی قلمداد کرده و جای داده اند و از اینرو نقش میانجی بقیه در صفحه ۸

برخی از...

یافته است و پشابه امری، هنوز هم در منازعات جناحهای مختلف هیئت حاکمه بحساب میاید، اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که نقش میانجی گری صرفنظر از دیدگاههای طبقاتی، خود تاهمی است از توان و پر- آیند منازعات درونی هیئت حاکمه. اکنون آشکار است که انفجارهای مختلفی که بطور پراکنده متبلور میشود، حاکی از وجود اختلافات درونی عمیقی است که در هیئت حاکمه وجود دارد و بطور اجتناب ناپذیری این روند تکوین مییابد. اختلافات به مراحل تعیین کننده تری نیز خواهد رسید ولی هنوز این امر بطور کامل انجام نگرفته است. یکی از شرایط قیام این است که طبقه حاکمه در ضعیفترین حالت خود قرار گرفته باشد و نتواند به شکل گذشته به حاکمیت خود ادامه دهد. این شرط هنوز آماده نگشته است ولی بسیار واضح است که به مراحل سرنوشت سازی رسیده است.

عامل دیگری که برخی آنرا بعنوان عامل بازدارنده توده ها در برپائی قیام طرح میکنند عامل سرکوب و ترس ناشی از آن است. در این مورد باید گفت با وجود اینکه رژیم آخرین تلاشهای خود را به کار گرفته است و از انواع مختلف اهرمهای اختناق و ایجاد ترس و وحشت استفاده میکند اما نتوانسته است توده ها را از

مبارزه و اعتراض باز دارد. رژیم اگر چه در آغاز روی آوری به سرکوب گسترده، وحشیانه و قرون وسطائی (پس از ۳۰ خرداد) توانست بمیزان وسیعی توده ها را به عقب نشینی وادارد و ترسی زاید الوصف را بر جامعه حاکم گرداند که هیچکس را برای سخن نباشد. توده ها اکنون آشکارا، در کارخانه ها و روستاها در جبهه ها، ادارات و در کوچه و خیابان و... به خمینی ناسزا می گویند بطوریکه این امر همه گیر شده است. ما هم اکنون شاهد اشکال مختلف از مبارزات انقلابی آنها هستیم از جمله اعتصابات، کم کاری، تحریم و تسخر مسئولین مملکتی و... آشکالی که نشان میدهد رژیم در سیاست بازداری توده ها از مبارزه در سایه اختناق و سر نیزه نتوانسته موفق باشد. حاکمیت سر نیزه هر گاه موفق به اصلاحات اجتماعی - اقتصادی نباشد موقتاً هم نمی تواند پا برجا بماند. بنابراین این توده ها از اینکه دست به مبارزه بزنند هراس ندارند اما مسئله ای که توده ها هنوز برای آن آماده نیستند مسئله مبارزه تا پای مرگ است. و این عامل یکی دیگر از شرایط قیام است. سومین عامل بازدارنده ای که مطرح میشود توده های عقب افتاده ای هستند که هنوز به رژیم وفا دارند. اکنون باید گفت اکثریت توده ها حتی توده های عقب افتاده دشمن رژیم حاکم هستند و در تجربه روز مره زندگی خود دریافته اند که فریب

خورده اند، دستان پرو پاقرصی در بروز خمینی و رژیم وی اکنون به دشمنان قسم خورده وی بدل گشته اند. دیگر از آن توده عقب افتاده ای که در ابتدای قیام سخت از خمینی و رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکردند خبری نیست اکثریت آنها از رژیم وی بریده اند و باقی مانده نیز میتوان گفت نسبت به رژیم وی متزلزل گشته اند. از اینرو به دشمنان متزلزل انقلاب بدل گشته اند. از جمله شرایط قیام این است که در صفوف دشمنان انقلاب متزلزل پدید آید و دستان متزلزل انقلاب نیز به صف انقلاب روی آورند. اکنون به میان میتوان آغاز این روند را در صفوف دشمنان متزلزل انقلاب و همچنین دستان متزلزل انقلاب دید. سه شرط فوق از شروط قیام هستند کافی نیست که بحران عمیقی جامعه را فرا گرفته باشد و توده ها از آگاهی و تجربه بالنسبه خوبی برخوردار باشند بلکه لازم است شروط فوق الذکر نیز از نظر معنی بوجود آمده و کامل و پخته شده باشد. حال سوال این است که چگونه در سال ۵۷ با وجود اینکه بحران آنچنان عمیق نبود و آگاهی توده ها بالنسبه نسبت به وضعیت آنها در شرایط کنونی کمتر بود قیام خیلی سریع شکل گرفت و انجام یافت؟ ولی در شرایط کنونی که بحران به مراتب عمیق تر است و آگاهی مردم به مراتب بالاتر است قیام شکل نگرفته است و شرایط آن آماده نشده است؟ با مقایسه این دو شرط به این بقیه در صفحه ۱۵

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

درباره

چه با صرفه تر نیروی کار خود به سرمایه داران استثمارگر، اجرای طبقه بندی مشاغل منطبق با خواسته های مرحله ای و فوری کارگران میباشد و از آنجا که سرمایه داران نیز جهت حفظ منافع طبقاتی خود خواهان اجرای طبقه بندی مشاغل اما کاملاً مخالف خواسته های طبقه کارگر میباشد، رژیم جلال جمهوری اسلامی این حامی بی چون و چرای منافع سرمایه داران و سرکوب کننده کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی حامی آنها نیز در اواخر سال ۱۳۶۱ طرح طبقه بندی مشاغل کارگران را بعنوان همزاد "پیش نویس قانون کار" انتشار داده و اخیراً نیز حول اجرای آن جارو جنجال راه انداخته است. در این مقاله سعی میشود تا پرده از پیچیدگی های مزورانه که سرمایه داران در طبقه بندی مشاغل بدانها متوسل میشوند ببرد ازیم تا کارگران با برخورد آگاهانه و مسلط با آنها حرکت متشکل و سراسری خود، اجرای طبقه بندی مشاغل مورد نظر خود را به رژیم سرمایه داران تحمیل کنند طبقه بندی مشاغل بدنبال رشد و گسترش صنایع و تشدید تقسیم کار در جوامع سرمایه داری از یک طرف و اوج گیری مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها از طرف دیگر مطرح شد. سرمایه داران خواهان اجرای طبقه بندی مشاغل جهت جلوگیری از رشد مبارزات کارگران و پرداخت حداقل دستمزد میباشد و در مقابل طبقه کارگر در چهار چوب مبارزات صنفی خود خواهان ضوابطی برای فرو شهر چه

صرفه تر نیروی کار خود میباشد کارگران خواهان آنند که تجربه تخصصی و سختی شرایط کار جزو معیارهای اصلی تعیین دستمزد مشاغل مختلف باشد و کارگران یک رشته شغلی، در سراسر کشور دستمزد ثابتی دریافت دارند تا ناچار نباشند برای دریافت دستمزد بیشتر به نقاط مختلف آواره شوند.

طبقه بندی مشاغل حدود ۵۰ سال پیش در آمریکا و بعد از جنگ جهانی دوم در انگلستان و سپس در سایر کشورهای سرمایه داری به مورد اجرا درآمد. در ایران نیز طبقه بندی مشاغل از سال ۱۳۴۹ مطرح و در سال ۱۳۵۲ بتصویب مجلس شاه جلال رسید. رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای غصب قدرت سیاسی، همان سیستم آریامهری را با کمی رنگ و لعاب تا فروردین ماه ۱۳۵۹ به مورد اجرا گذاشت، تا اینکه در برابر مقاومت کارگران در مقابل ضوابط ضد کارگری این طرح، ناچار به توقف آن شد و اقدام به اجرای طرح جدیدی در تعدادی از کارخانجات نمود و بالاخره در بهمن ماه ۱۳۶۱ طرح دلخواه سرمایه داران را در غالب عناوین مزورانه و پیچیده اعلام کرد. طبقه بندی مشاغل از دید

سرمایه داران سرمایه داران از اجرای طبقه بندی مشاغل، کسب سود بیشتر از طریق پرداخت حداقل دستمزد و جلوگیری

از تشکل و حرکت طبقه کارگر را در نظر دارند و برای رسیدن باین هدف خود، از قبول طبقه بندی مشاغل برای سراسر کشور سر باز زده و امر طبقه بندی مشاغل را منوط به اراده سرمایه داران هر کارخانه میکنند. آنچه که هنگام پیاده نمودن طبقه بندی مشاغل در هر کارخانه توسط کارشناسان وزارت کار سرمایه داران در الویت محض قرار دارد، همانا تأمین حداکثر سود برای سرمایه داران و جلوگیری از تشکل کارگران میباشد. برای مثال کارشناسان وزارت کار سرمایه داران در دو کارخانه "الف" که کارخانه تولیدی بزرگ است و کارخانه "ب" که کارخانه تولیدی کوچک است، ابتدا مشخص میکنند که برای بازدهی هر چه بیشتر سرمایه، چه بستهبندی و سمتهایی لازم است و چه ضوابطی باید تعیین گردد تا بهره کشی از کارگران بهترین نحو انجام گردد، سپس کارگران را با آن بستهبندی و سمتهای تطبیق میدهند. حال اگر در کارخانه "الف" پنج رده و در کارخانه "ب" سه رده از مهندسان تولید تا کارگر ساده در نظر گرفته شود. کارگری که در کارخانه "الف" در رده دوم قرار دارد، وقتی بعلت وجود بیکاری در جامعه مجبور است در کارخانه "ب" استثمار شود، تحت ضوابط کارخانه "ب" بعنوان کارگر ساده ارزشیابی میشود. حال ببینیم در طرح طبقه بندی مشاغل اعلام شده از طرف رژیم جلال جمهوری اسلامی، چه تضمینهایی برای پیاده نمودن نکات فوق بنفع بقیه در صحنه ۱۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

در باره

سرپرستی، گرما و سرما، رطوبت و گرد و غبار و ... ملاک عمل بوده، لذا کلیه پرداخت‌های بابت حق مقام، سختی کار، مزایای گرد و غبار، فوق العاده شغل، حقوق سرپرستی و امثال آن لغو و هیچ گونه وجهی از این بابت پرداخت نخواهد شد. ولی کارگران پس از ترغیب‌های فوق آشنا هستند و میدانند که رژیمی که حداقل دستمزد را ۶۳۵ ریال تعیین کرده در حالی که اجاره و اتاق بدون امکانات در هیچ کجای کشور کمتر از ۱۵۰۰ تومان در ماه نیست و حبوبات کیلوئی بیش از ۴۰ تومان برنج کیلوئی ۸۰ تومان گوشت ۱۰ تومان میباشد هرگز دستمزد بیشتری به کارگری که در بنادر جنوب و یا در کویر و یا مناطق سرد سیر اشتغال دارد از کارگر واجد شرایط مشابه در سایر نقاط کشور پرداخت نخواهد کرد (همه میدانند که در نقاط محروم و بد آب و هوا چون سیستان و کردستان بعلت کمبود شدید کار دستمزد پرداخت می‌شود به مراتب پایینتر از سطح دستمزد شهرهای بزرگ مثل تهران اصفهان میباشد)

طبقه بندی مشاغل از دید کارگران کارگران خواهان آنند که حداقل دستمزد در یافتی بابت فروش نیروی کار تکافوی مخارج متوسط یک خانواده چهار نفره را بنماید و اگر چه میدانند بهبود شرایط زندگی کارگران میسر نخواهد بود مگر با سرنگونی رژیم سرمایه داران و محو کار مزدوری، ولی در شرایط استقرار مناسبات سرمایه داری نیز بقیه در صفحه ۱۶

کار سرمایه داران است و ضمانت سطح دستمزد ها نیز حتی کاهش یافته و مابه التفاوت دستمزد نیز بهیچ وجه پرداخت نمیگردد و حکمیت نیز با وزارت کار سرمایه داران است از این بهتر نمیشود! هر سرمایه دار در کارخانه خودش برای خودش تصمیم میگیرد. هیچ گونه تشکل کارگری موجود نخواهد آمد و میزان دستمزد برای کار مشابه نیز در سراسر کشور یکسان نمیشود.

از طرف دیگر طبق بند ۲ ضوابط طرح " کارگاههایی که بیش از ۵۰ کارگر دارند و فاقد طرح طبقه بندی مشاغل هستند مشمول طرح نمیشوند" یعنی تعداد عظیم کارگران کارگاهی که در کارگاههای با کمتر از ۵۰ کارگر اشتغال دارند و با داشتن سالها تجربه در رشته خود محروم نیز میباشند، جایی در طرح طبقه بندی مشاغل ندارند. موضوع مهم دیگر اینکه، کارگران خواهان آنند که تجربه، تخصص و سختی شرایط کار جزو معیارهای اصلی تعیین دستمزد های مشاغل مختلف باشد و کارگران یک رشته شغلی در سراسر کشور دستمزد ثابتی دریافت داشته و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیایی، نبودن امکانات رفاهی و غیره را جدا گانه دریافت نمایند. در صورتیکه طبق ماده ۱۹ طرح: "دلیل آنکه برای تعیین گروه شغلی، عوامل مهارت، مسئولیت فعالیتها، فکری و جسمی، شرایط محیط کار،

سرمایه داران در نظر گرفته شده است: طبق جز' ب بند ۴ ضوابط طرح " تهیه طرح طبقه بندی مشاغل پس از انجام توافق بین سرپرست و کارکنان و ارائه وثبت توافقنامه به وزارت کار و امور اجتماعی طبق راهنمایی این وزارت صورت خواهد گرفت، و طبق جز' ج بند ۴ ضوابط طرح، توافقنامه بین مدیریت و کارکنان بایستی حاوی قبول موارد زیر باشد:

- ۱- انتخاب طراحان از میان طراحان مورد تأیید وزارت کار و امور اجتماعی
- ۲- محدودیت افزایش سطح متوسط کل دستمزد در اثر اجرای طرح و پرداخت دستمزد کارکنان برابر دستور العمل اجرایی طرح و عدم پرداخت مابه التفاوت تطبیق بمنظور متناسب نمودن و تعدیل سطح مزد ها
- ۳- پذیرش حکمیت وزارت کار و امور اجتماعی و طبق ماده ۷ نحوه تطبیق طرح " سوابق کار کارگر در خارج از این کارگاه در صورتیکه مرتبط با شغل باشد با تأیید کمیته طبقه بندی (بخوان کمیته تأمین منافع سرمایه دار) مشاغل جهت جانشینی احراز شغل از لحاظ تجربه و نیز اخذ پایه قابل احتساب میباشد. با تمام شهادی بهکار گرفته شده در تدوین جملات، موارد فوق بخوبی گویا است که هیچگونه تشکل کارگری از جبهه شوراهای سندیکاها (که قانوناً تشکیل آنها جایز است و مجازات آن اعدام میباشد) دخالتی در تهیه طرح ندارد و همه چیز باراده سرمایه دار و وزارت

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

قیام بهمین و...

اساسی تر نقطه ضعف جنبش در استقرار حکومتی انقلابی - توده‌ای و کسب مطالبات انقلابی بشمار می‌آید، از هم گسیخته است. مطالبات انقلابی اما غریزی و ناپخته توده‌ها که مقهور تهاجم شعارهای مبهم و توهم زای مبتنی بر سنن، عادات و خرافات شده بود تا حدود زیادی شکل گرفته، متکامل شده و از سموم خرافات رها گشته است. با تمام این احوال حتی در سال ۵۷ نیز توده‌ها با مطالبات خاص خود و با هدفی که در بطن آن نطفه‌های کسب قدرت سیاسی پرورش می‌یافت، به نبرد با رژیم شاه برخاستند. اگر توده‌ها در تداوم نبرد با رژیم شاه اسیر جمهوری اسلامی شدند، اما این جمهوری نه انتخاب آگاهانه آنان بود و نه نثره تکامل نطفه‌های قدرت سیاسی که در بطن مبارزات انقلابیشان در حال شکفتن بود. جمهوری اسلامی ارگان حکومت طبقاتی بود که بعلت ناآگاهی، عدم سازمانیافتگی و... وضعیت نمایندگان سیاسی توده‌های انقلابی بر جامعه استیلا یافت. و این هنوز حتی بمعنای تسلیم شدن توده‌های انقلابی و در را من آنها طبقه کارگر به این قدرت و چشم پوشی از کسب قدرت سیاسی نبود. طبقات و اقشار مختلف اجتماعی - اعم از انقلابی، بینابینی و ضد انقلابی - پناه انگیزه‌های متفاوت - اعم از آگاهانه و پنا غریزی - به عرصه مبارزه با رژیم شاه وارد و یا کشانده شدند. و بر همین مبنا صف سرنگونی (که

صف انقلاب بخشی از آنرا تشکیل میداد) اگر چه ظاهراً همگون می‌نمود و در باصطلاح جنبش ضد سلطنتی تبلور یافت، لیکن انگیزه‌های متفاوت طبقاتی در امر سرنگونی الزاماً با آلترناتیوهای اثباتی متفاوت متناظر بود. اما وجود آلترناتیوهای متفاوت از سوی نیروهای طبقاتی شرکت کننده در صف سرنگونی به یک درجه قابل درک نبود. و لذا پافشاری بر اعمال هر مونی طبقاتی و سلطه آلترناتیو قدرت سیاسی بر جامعه از سوی نیروها طبقاتی نمیتوانست بیکسان صورت بگیرد. در اینجا لازم به تذکر است که پافشاری طبقات بر مطالبات و اهداف طبقاتی بمعنای تحت - اللفظی اراده گرائی نیست. درجه پافشاری مبتنی است بر برآیند مجموعه عواملی از قبیل درجه آگاهی، تشکیلات، سابقه مبارزاتی و وضعیت نمایندگان سیاسی که میزان درک و توان مبارزاتی طبقه را مشخص میکنند.

بر این مبنا، توده‌های زحمتکش اگر چه در نفی رژیم شاه دارای انگیزه‌های طموس و تجارب عملی قوی بودند، لیکن در مساله اثباتی عمدتاً با اتکا به گرایش طبقاتی عمل میکردند. تحت این شرایط برای توده‌های کثیری آن نوع قدرت سیاسی که منطبق با منافع طبقاتیشان است بطور مشخص رخ نموده و مبهم بود. اعمال

رهبری پوپولیستی خمینی بر جنبش توده‌ها بر اساس همین ابهام تحقق پذیرفت. با این وجود کارگران و زحمتکش شهر و روستا، در تداوم جنبش، گرایش خاص خود را در تشکیل دولت خود بروز دادند. اما این بروز در زیر سلطه ایدئولوژی بورژوازی حاکم و سنت‌ها و اعتقادات باز مانده از اعصار کهن که بخش‌ها از بورژوازی بر آن تکیه داشت و به آن دامن میزد، مقید شد، بدون آنکه موجودیتش زایل شده باشد. بطور کلی، در دوران بحران انقلابی، زمانی که جنبش توده‌ها دامن میگستراند و تشتت در قدرت سیاسی حاکم تشدید میشود، صف گسترده‌ای از طبقات و اقشار اجتماعی از انقلابیون گرفته تا مرتجعینی که بنا بدلائل مختلف با قدرت سیاسی حاکم در تضاد افتاده و یا تداوم حاکمیت آنرا دیگر بصلاح ندانند تشکیل میشود. از اینرو قدرت سیاسی جانشینان عموماً دارای مؤلفه کاملاً مشخص طبقاتی آنچنان که دولت‌ها در دوران تثبیت دارا هستند، نیست بنا به درجه آگاهی و توان طبقات شرکت کننده در صف سرنگونی، گرایشات مختلف طبقاتی به اعمال قدرت سیاسی میپردازند. بطور مستقیم و غیر مستقیم، شکل گرفته و با خام و نطفه‌ای.

پس از سرنگونی قدرت سیاسی حاکم، گرایشات مختلف طبقاتی بمنظور تطابق قدرت سیاسی جدید با منافع طبقاتی خود بمقابله با یک دیگر پرداخته و به تصفیه دولت بمعنای اعم کله از گرایشات و عناصر پخته در صفحه ۱۲

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

مزاخه مبادرت میکنند. تا زمانی که بحران انقلابی بر جامعه حاکم است، تا زمانی که قدرت سیاسی جدید در راستای منافع طبقاتی مشخص تثبیت نشده است، تا زمانی که توده ها به خواستهای انقلابی خود دست نیافته و بسا تسلیم نگشته اند، کهاکش انقلاب و ضد انقلاب و تصفیه حساب بین گرایشات قدرت سیاسی جدید ادامه دارد. روند اوج پاینده انقلاب و یا روند نزولی انقلاب که در تمامی انقلابات جهانی وجود داشته بر همین مبنا استوار بوده است. امتزاج گرایشات طبقاتی مختلف در قدرت سیاسی جدیدی که هنوز تصفیه نشده و تثبیت نگرد، است توده ها و حتی نیروهای سیاسی انقلابی را به کجراه کشانده و از ذرک اینکه قدرت واقعی در دستان کیست دور میکند. تحلیلهای متفاوت نیروهای سیاسی از ماهیت و ترکیب قدرت سیاسی که پس از قیام بهمن ماه در ایران استقرار یافت، نمونه گویائی در این مورد است و این نیز خود زمینه ای بود که توده های انقلابی که در تحلیل نهائی برای کسب قدرت سیاسی (هر چند بطور غریزی) به سر پائی قیام مبادرت ورزیدند، قدرت واقعی دولتی را به نمایندگان واگذار کردند و در وجه عمده از آن خود انگاشتند که در حقیقت نماینده قدرت سیاسی آنان نبود. اما نطفه های قدرت سیاسی واقعی توده ها (نطفه های دولت واقعی انقلابی) در کنار دولت واقعی در حال شکل گیری بود.

بهر حال، با توجه به آنچه که تا کنون بیان گردید، پس از قیام بهمن ماه سه گرایش اصلی در چگونگی

قیام بهمن و ...

ساختمان قدرت سیاسی از یکدیگر متمایز است: گرایش ولایت فقیهیی، گرایش پارلمانتاریستی و گرایش شورائی. هر کدام از این گرایشات که متناظر بر منافع طبقاتی خاصین است معرف سه شکل حکومت است: حکومت اسلامی (یا جمهوری اسلامی بمعنای ولایت فقیهیی آن)، جمهور دیمکراتیک (و یا معادل آن جمهوری دیمکراتیک اسلامی) و بالاخره جمهوری دیمکراتیک خلق، سه تشریح مختصر هر یک از این گرایشات و میزان تحقق آن میزود از الف: گرایش ولایت فقیهیی

این گرایش اساساً دیدگاههای سرمایه عقب مانده را در جامعه منعکس میکند. بورژوازی تجاری (و برای آنکه دقیقاً وابستگی به سرمایه عقب مانده به ذهن متبادر شود میتوان از اصطلاح بورژوازی تجاری سنتی استفاده کرد) با الحاق لایه های بالای خرده بورژوازی سنتی، رهبری این گرایش در سطح جامعه را به عهده داشت. لایه کثا پائینی و میانی خرده بورژوازی سنتی با تمامی تضادهای بنیادینش با رهبری این گرایش، شدیداً نسبت به آن توهم داشته و به دنبالش روان بودند. علاوه بر اینها این گرایش خیل حاشیه نشینا و لومین ها را نیز بدنبال داشت این طیف گسترده که نقطه قوت این گرایش بود، بدلیل گوناگونی انتشار و طبقات تشکیل دهنده اش و لذا منافع متضاد طبقاتی در خود گرایش به شکنندگی و تجزیه داشت. نیروهای طبقاتی متعلق به سرمایه عقب مانده که با توسعه سرمایه

داری در ایران و ادغام آن در سیستم جهانی امپریالیستی بر مبنای تقسیم کار نوین امپریالیستی از نقطه نظر منافع و مواضع طبقاتی در تضاد با سرمایه های بزرگ صنعتی و انحصار قرار داشتند به مبارزه با قدرت سیاسی حاکم پرداختند.

در عین حال شیوه حکومتی این گرایش و مضمون آن بشکل اصلی و عربانش قادر به کشاندن توده ها بدنبال خود نبود. شارلاتانیزم رهبری این گرایش و در راس آن خمینی بر اسلش درکشان از این ذهنیت توده ها بنا شده بود خمینی چندین سال قبل از اوجگیری جنبش توده ها، زمانی که استقرار حکومت اسلامی بعید می نمود، در مطا له اش بنام ولایت فقیه اعتراف کرد که "الان گذشته از علمه مردم طبقه تحصیل کرده چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی، اسلام را درست نفهمیده اند و از آن تصور خطائی دارند. . . چنانچه کسی بخواهد اسلام را آن طور که هست معرفی کند مردم به این زود بها باورشان نمی آید." و خمینی نیز اسلام را آنطور که می فهمید یعنی آنطور که مبتنی بر گرایشات حکومتی سرمایه عقب مانده بود، معرفی نکرد تا مردم زود بهاورشان بیاید.

مضمون و شیوه حکومتی این گرایش، در هنگامه جنبش توده ای نه تنها سکوت ماند بلکه باید ای از اوهام و ابهامات و شعارهای مردم فریب پوشانده و دگرگون شد تا مردم زود بهاورشان بیاید. اما خمینی در همان رساله، یعنی در زمانی که نیاز به این شیوه شایعی نداشت، مضمون و شیوه حکومتی بقیه در صفحه ۱۳

قیام بهمن و ...

مضمون و شیوه حکومتی این گرایش به این نحو عریان آنهاست در زمان اوج جنبش انقلابی، از سوی توده ها قابل پذیرش نیست پس به نیرنگ و فریب متوسل شد و توده ها او را برهبری برگزیدند. اما شیادی خمینی در به زیر سلطه در آوردن جنبش توده ها یک سوی قضیه است. سوی دیگر قضیه (که اساسی تر نیز میباشد) همان ساله ایست که در ابتدای مقاله بعنوان عدم درک توده ها از نقش و ماهیت قدرت سیاسی به آن اشاره شد. و در میان عواملی که در آن زمان بردرک توده ها از نقش و ماهیت قدرت سیاسی میتوانست موثر باشد، باید به نقش نیروهای سیاسی انقلابی اشاره کرد که قاطعانه به اقتضای ماهیت رهبران و نیروهای سیاسی نبرد اجتناب و از ایفای نقش واقعی خود باز ماندند. در اینجا حساب نیروهای سیاسی دیگری که خود به این توهم دامن میزدند (مثل سازمان مجاهدین خلق) خود آتش بهار معرکه بودند جداست. بهر حال، این گرایش بهمان شکل و محتوای اصلیش نمی توانست بطور کامل در جامعه متحقق شود و تشبیه گردد. اصولاً گرایش طبقاتی و مبارزه بر مبنای این گرایش بمعنای تحقق آن نیست. درجه تحقق یک گرایش در هر برهه از زمان بستگی به شرایط عینی و ذهنی موجود جامعه دارد. هر چه قدر که گرایشی از شرایط عینی و ذهنی جامعه دور باشد، درجه تحقق آن کمتر است. گرایش ولایت فقیه نیز بهمان شکل

این گرایش را بنحویز ترسیم کرده بود: "حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است (البته مشروطه خمینی بهمان معنای مشروطه شیخ فضل اله نوری است) البته نه مشروطه بمعنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین، تابع آرا اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در احرا و اداره فقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود". اما این قوانین اسلام چیست؟ وی ادامه میدهد "آیا رسول اکرم و خلفای بعد از رسول اکرم بنایشان بر این بود که مسائل را دست مردم بدهند و بگویند با شما کاری نداریم؟ یا بعکس، حدود معین کرده بودند و شلاق میزدند، و رجم میکردند، حبس میدادند و نفق بلد میکردند؟ به فصل حدود و دیات اسلام رجوع کنید ببینید همه اینها از اسلام است و اسلام برای این امور آمده است". حوزه عمل این گرایش مشخص شد، اما رابطه ولی فقیه با توده ها چگونه است؟ "ولایت فقیه از امور اعتباری عقلانی است و واقعیتی جز جعل ندارد، مانند جعل (قراردادن و تعیین) قیم برای صخره، قیم طلا یا قیم صفا ر از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد" و بر همین مبنا است که "فقیها از طرف امام (ع) حجت بر مردم هستند" و بر همه مردم لازم است که از او (یعنی ولی فقیه) اطاعت کنند". خمینی به این نکته واقف بود که

و مضمون اصلیش بهمانه سلطه بلا منازع سرمایه عقب مانده بر جامعه، با توجه به شرایط عینی و ذهنی، امکان تحقق کامل نداشته و عوامل متعددی این گرایش را اجباراً دگرگون ساخته و مانع تحقق کامل آن در جامعه شد. مهمترین این عوامل عبارتند از: توسعه سرمایه داری و بسته در ایران و ادغام ارگانیک آن در سیستم جهانی امپریالیست و رشد و گسترش سرمایه صنعتی، عدم توانایی تاریخ این طیف برهبری بورژوازی تجاری در کنترل و محرکت در آوردن اقتصاد جامعه، اختلاف با بورژوازی لیبرال بهمانه یک پای حکومت که از سلطه کامل این گرایش بر جامعه می کاست (توجه شود که در این جا عمدتاً مسائل حول و حوش قیام مد نظراست، با اینحال عوامل موثر دیگر گونه کردن این گرایش عموماً ۱۰ سال گذشته را نیز شامل میشود، مثلاً اختلاف با بورژوازی لیبرال اگر چه همدا صورت رسمی شکسته شد، اما بورژوازی لیبرال مرتباً عود را در ارگانهای مختلف باز تولید میکرد که فعلاً بحث این مقاله نیست، از دیگر عوامل موثر بردرک گونه کردن این گرایش میتوان از وجود اقشار و لایه های متفاوت خرد بورژوازی سنتی نام برد که بر اساس مواضع متفاوت به تفسیر مضمون ولایت فقیه (و بویژه بر سر حدود مالکیت) پرداخته و از برای ولایت فقیه می گاستند، و بالاخره وجود مطالبات انقلابی و ارگانهای توده ای (شوراها، کمیته ها) بهمانه نطفه های دولت انقلابی توده ها که با تمام توهم نسبت به شخص خمینی بنیه در صفحه ۱۱

قیام بهمین و...

و حکومت مشروطه شاه بود، در تداوم جنبش و تحت فشار آن، به جمهوری پارلمانی (و با همان مضمون قانون اساسی) گردن نهاد و تحت فشار جریان ولایت فقیه، خواستار جمهوری دموکراتیک اسلامی شد.

اما درجه تحقق این گرایش نیز بنا به عوامل متعدد از جمله عوامل زیر نمیتوانست کامل باشد:

۱- بطور کلی رو بنای سیاسی کشورهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، دیکتاتوری عریبان است، به ویژه در ایران که عوامل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی و از جمله ضعف مفروض بورژوازی لیبرال این امر را تشدید میکند، از این رو امکان تحقق دموکراسی بورژوازی بسیار بعید مینماید.

۲- ائتلاف اجتناب ناپذیر این بورژوازی با گرایش ولایت فقیه که از همان ابتدا تحقق کامل این گرایش را مدفون ساخت.

۳- جنبش انقلابی توده ها که رفرمیسم این گرایش را چون حسابی بر سطح آب میترکاند و امکان تحقق این گرایش را سد میکرد.

۴- وجود مطالبات بنیادین انقلابی توده ها و ارگانهای اقتدار توده ای که با رفرمیسم این جریان در تضاد قرار داشت.

نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیستها در انشای سازشکاری و رفرمیسم این گرایش که با مطالبات انقلابی توده ها در تضاد قرار داشت، در انشای ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی جنبش گرایش، در انشای محدود و عمکرد این گرایش که سد راه پیشروی انقلاب بود، نقش بسزایی ایفا کردند. ضعف کما

در بطن خود بر مبنای منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان استوار بود، و وجود نیروهای سیاسی انقلابی و به ویژه کمونیستها و نفوذ معنوی آنها بین کارگران و زحمتکشان حتی بین بخشهای از آنان که به خمینی و رژیمش معتقد بودند، اما بر مبنای مطالبات انقلابی و غرایز طبقاتی خود از جنبش انقلابی تأثیر می گرفتند. تمامی این عوامل مانع تحقق کامل گرایش ولایت فقیه بر جامعه و تثبیت آن بود. اما این عدم تحقق کامل بمعنای تأثیر مهم این گرایش بر ساختمان قدرت سیاسی و تأثیرات مخرب آن بر زندگی اقتصادی اجتماعی جامعه نمی توانست باشد.

ب: گرایش پارلمان تاریستی

این گرایش اساساً دیدگاههای سرمایه داری صنعتی را که بورژوازی متوسط صنعتی در مرکز ثقل آن قرار داشت منعکس میکرد. نیروهای طبقاتی تشکیل دهنده این گرایش از همگونی بیشتری نسبت به گرایش ولایت فقیه بر -

خود دار بود و عمدتاً شامل بورژوازی لیبرال (که رهبری این گرایش را داشت)، لایه های فوقانی از خرده بورژوازی جدید تکنوکراتها، و بوروکراتهای عالی رتبه بود.

تضاد این گرایش با سرمایه انحصار و رژیم شاه، تضادی بنیادین بشمار نمی رفت، و حد اکثر از کسب سهم بیشتری از ارزش اضافی اجتماعی، اصلاحاتی در سیستم اقتصادی وقت و شکل قدرت سیاسی نمیتوانست فراتر برود. رفرمیسم مشخصه اصلی این گرایش را تشکیل میداد. این گرایش که در

نیروهای انقلابی و به ویژه نیروهای پیشاهنگ به ویژه در سال ۵۷ و قبل از قیام در نشان دادن سازشکاری و ماهیت ضد انقلابی این جریان نبود، ضعف کار عمدتاً بر سکوت و با انتقادهای محتاطانه آنان نسبت به افشای نقش و ماهیت گرایش ولایت فقیه استوار بود. و بنا به هر دلیل اعم از عدم شناخت کافی نسبت به ماهیت آن گرایش و با اینکه توده های وسیعی نسبت به آن گرایش توهم داشته و آنرا پذیرفته اند، و با این بینش که هر نوع انتقاد و انشای بی رحمانه اما منطبق بر اصول، صف انقلاب را در مقابل رژیم شاه تضعیف میکند و با هر دلیلی از این نوع، نشانه ضعف بینش و با نفوذ ایده های اپورتونیستی در نیروها پیشاهنگ محسوب میشود.

نیروهای پیشاهنگ با انشای سازشکاری و نقش ضد انقلابی بورژوازی لیبرال و سکوت و پیاپی خورد محتاطانه با جریان تحت رهبری بورژوازی تجاری، عملاً و غیر مستقیم و ناخواسته - بنا به میزان نفوذ تبلیغی و ترویجی خود - به تطهیر این جریان پرداخته و راه را بر نفوذ بیشتر این جریان بر جنبش انقلابی توده ها و به تحت سلطه درآورد آن باز گذاشتند. تجربه گرانقدری که با قیمتی گزاف کسب شده و در انقلاب جاری توده ها پایید دقیقاً رعایت شود.

بهر حال، مولفه دو گرایش فوق قدرت سیاسی واقعی را تشکیل داد ما از این قدرت در نبرد خلق شما یک بعنوان ارگان سازش یاد کردند ارگان سازش، ارگان در هم آمیخته مضمون و شیوه حکومتی گرایش ولایت فقیه و گرایش پارلمان تاریستی

برخی از ...

نکته می‌رسیم که یک عامل که در سالهای ۵۶-۵۷ وجود داشت و موجب تسریع روند شکل‌گیری قیام و انجام آن شد، عامل آترناتیو قدرت سیاسی بود. عاملی که برای تسریع در شکل‌گیری قیام و انجام آن لازم است و بدون چنین عاملی شرایط قیام خیلی دشوار می‌گردد البته باید توجه داشت که آترناتیو قدرت سیاسی خود نیز بر زمینه شرایط خود ویژه جامعه، تشکل، آگاهی و تجربه توده‌ها و ... و شکل بروز مبارزه طبقاتی بستگی دارد. بر این مبنا آن نوع از آترناتیو قدرت سیاسی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ شکل گرفت تحت شرایط موجود جامعه امری سپری شده و مرده است. در آن زمان، بنا به مجموعه کلیه عوامل، آترناتیو قدرت سیاسی حول شعار مرگ بر شاه و حکومت اسلامی برهمنری خصمی و حه غالب و فراگیر یافت. اما این آترناتیو قدرت سیاسی برای توده‌ها گنگ و مبهم بود و از سوی دیگر طبقات و اقشار مختلف هر یک بر اساس غرایز طبقاتی و یا ادراکات طبقاتی آنرا تفسیر میکردند. ولی بهر حال و با وجود تمامی این سببها روشن‌ها و ابهامات این آترناتیو بصورت قدرتی مادی در جامعه ظاهر شد. توجه شود که توهم و خرافات هم وقتی توده‌گیر شود بصورت نیروی مادی در مبادی، اگر چه این نیروی مادی بدلیل اساس موهومیش می‌شکند، چنانکه پس از استقرار رژیم

جمهوری اسلامی بتدریج شکسته شد. حال، اما، در شرایط خود و بزه کنونی جامعه ما، تحت تاثیر تجربه‌ها و آگاهی‌های ناشی از سال ۵۷، توده‌ها براحتی و بسرعت به پذیرش آترناتیوی خاص تمایل نشان نمیدهند آترناتیو‌هایی شبیه به حکومت اسلامی مرده‌ای پیش نیست. اما بهر حال صرف پذیرش آترناتیو از سوی توده‌ها - اعم از اینکه آترناتیو پذیرفته شده توان پاسخ‌گویی به خواستهای توده‌ها و رهبری آگاهانه مبارزات آنسپارا داشته باشد یا نداشته باشد - یعنی زمانی که توده‌ها توان مبارزاتی خود را در راستای آترناتیو پذیرفته شده قرار می‌دهند سبب میشود که از جوششهای مختلف و پراکنده توده‌ای، جلوگیری کند و مبارزات توده‌ها را گسترش دهد و تحت شرایطی به قیام نزدیک کند. بر همین مبنا است که الزاماً و همواره آترناتیو انقلابی میتواند انتخاب توده‌ها نباشد (بدلائل ضعف تشکیلاتی، آگاهی، تجربه، ضعف نیروهای انقلابی ...). اما تا زمانی که توده‌ها آترناتیو مشخصی را پذیرا نشده‌اند در چهارچوب اهداف و مضامین آن آترناتیو مبارزات پراکنده توده‌ها کانالیزه میشود. بر این اساس احتمالات مختلفی سرنوشته‌هایش انقلابی توده‌ها را در بر میگیرد از جمله: با پذیرش آترناتیو قدرت سیاسی سازشکار بورژوازی (بنابه دلائل مختلفی که قبلاً بر شمریم) جنبش انقلابی توده‌ها در جهت مطامع پخش‌ها و انتشاری از طبقات مسلط اجتماعی درآمده و جنبش

به شکست کشانده میشود. تحت شرایطی دیگر ممکن است توده‌ها در اثر عدم آگاهی و توهم به پذیرش آترناتیوی که توان پاسخگویی به خواستهای انقلابی آنان را ندارد (مثل آترناتیو جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷) تن دهند لیکن بدلیل خواستهای انقلابیشان و بروز حتی غرایز طبقاتیشان در بطن و عمق، در تضاد با آترناتیو انتخاب شده قرار داشته باشند که در این صورت تداوم حاد مبارزه طبقاتی حتی پس از کسب قدرت سیاسی از سوی آترناتیو انتخاب شده حیات قدرت سیاسی جدید را در خطر قرار میدهد (مثل جنبش انقلابی توده‌ها پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی). حالات متعارفی از خصیت آترناتیو را میتوان مورد بررسی قرار داد که در این جا مجال آن نیست. بهر حال، اما مسائل فوق از یکسو لزوم وجود آترناتیو بطور کلی را مد نظر دارد و از سوی دیگر ضرورت و قوف به آترناتیو انتخاب شده که بتواند در راستای برآورد خواستهای انقلابی توده‌ها قرار بگیرد. اکنون که این سوال در اذهان عمومی نقش بسته که چرا مردم قیام نمیکنند، خود بیان این حقیقت است که یکی از عوامل ضروری برپایی قیام هنوز پخته نشده است بعنوان یکی از عوامل مهم میتوان گفت که آترناتیو انقلابی نتوانسته است به وظائف خود جامه عمل بپوشاند و مبارزات توده‌ها را از هرز روی نجات داده و آنها را در جهت راستای صحیحی سازماندهی و رهنمون سازد. با وجودی که بقیه در صفحه ۱۸



کارگران با تشکل و مبارزه میتوانند بخشی از حقوق حقه خود را دریافت نمایند و مبارزه برای تحمیل طبقه بندی مشاغل بر اساس خواست کارگران از جمله این امور است. کارگران خواهان آنند که در مقابل کار مساوی مردان و زنان و جوانان و پیران در سراسر کشور حداقل دستمزد برابر بوده و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیائی، نبودن امکانات رفاهی و غیره جداگانه پرداخت شود و در میان ضوابط تعیین حد اقل دستمزد، تخصص و شرایط کار نقش اصلی را داشته باشند. رتوبس خواست های کارگران که بایستی در طرح طبقه بندی مشاغل منظور گردد به قرار زیر است:

- ۱- حد اقل دستمزد بر اساس تأمین حد متوسط هزینه های معیشت یک خانواده چهار نفره برای هر رشته شغلی در سراسر کشور تعیین و هر شش ماه یکبار نسبت نرخ تورم افزایش یابد و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیائی و نبودن امکانات رفاهی علاوه بر حد اقل دستمزد پرداخت گردد.
- ۲- در میان ضوابط تعیین حد اقل دستمزد، تجربه تخصص و شرایط کار نقش اصلی را داشته باشد.
- ۳- در برابر کار مساوی مردان و زنان و پیران و جوانان دستمزد مساوی پرداخت گردد.
- ۴- طبقه بندی مشاغل در کلیه کارگاهها به مرحله اجرا در آید و هیچگونه محدودیتی از جهت تعداد کارگران کارگاه و سایر موارد وجود نداشته باشد.

۵- طبقه بندی مشاغل بایستی تحت نظارت و کنترل تشکلهای کارگری به مرحله اجرا در آید و در شرایط مشخص کنونی که تشکل های انقلابی وجود ندارد از طریق مجامع عمومی خود یا انتخاب نمایند و با هر شکلی که ممکن باشد اقدام لازم در جهت کنترل و نظارت بر اجرای طرح صورت گیرد. طبیعی است که نوع تشکل و میزان مشارکت، کنترل و نظارت بستگی به درجه آگاهی، سوابق مبارزاتی، تشکل بومی و... هر واحد داشته باشد. اما از طریق ایجاد ارتباط بین واحد های مختلف میسر میسر تجارب مبارزاتی را منتقل نمود.

کارگران آگاه و مبارز!

اکنون بر سر اجرای طبقه بندی مشاغل مبارزه ای از سوی مردم جریان است. از طرف کارگران مبارز برای دریافت هر چه با صرفه تر ارزش نیروی کار و از طرف سرمایه داران و رژیم حامی آنان اجرای یک نظام دستمزدی سود آور و جلوگیری از تشکل و مبارزات کارگران در این شرایط، سازماندهی، هدایت، گسترش و پیوند مبارزات کارگران کام مهمی در پیشبرد این مبارزه میباشد. کارگران پیشرو موظفند با تبلیغ در بین کارگران، خواهان تشکلیل مجمع عمومی شوند تا نمایندگان واقعی خود را انتخاب نموده، طرحی منطبق با خواستهای طبقه کارگر تهیه و اجرای آنرا به وزارت کار سرمایه داران تحمیل نمایند. کارگران باید از طریق ارتباطگیری با سایر کارخانجات دامنه اتحاد و تشکل خود را هر

چه بیشتر گسترش دهند بخصوص اتحاد انقلابی کارگران کارخانجات یک رشته صنعتی همچون ماشین سازی، نساجی و غیره، از آنجا که مشاغل یکسانی دارند، گام ارزنده ای برای تحمیل طرح طبقه بندی مورد نظر کارگران میباشد.

کارگران آگاه و مبارز!

تعلیقات گسترده ای را در این زمینه آغاز نمایید، باید تمام کارگران را در بر خورد با طرح طبقه بندی مشاغل آگاه و مسلط نمود. باید پیچیدگیها را ساده توانین پژوهشی را برای کارگران فاش کرد، باید ماهیت سوداگرانه تک تک آنها را بنمایش گذارد و راه برخورد با آنها را به کارگران نشان داد و بالاخره باید مبارزه را برای اجرای طبقه بندی مشاغل منطبق با خواست کارگران سازمان داد. اما در این گیر و داد باید داشته باشید سخنان مارکس آموزگار کبیر کارگران جهان را که "طبقه کارگر نباید در مورد نتایج نهائی این مبارزه روزانه گرفتار مبالغه شود، او نباید از یاد ببرد که در این مبارزه روزانه فقط بر علیه معلولها مبارزه میکند و نه بر علیه طلی که این معلولها زائیده آنهاست، فقط جلوگیری را که موجب بدتر شدن وضع اوست میگیرد ولی جهت آنرا تغییر نمیدهد مگر بکار میبرد ولی بیمار را درمان نمیکند" و بالاخره وظیفه بلند مدت کارگران را اینطور یاد آور میشود که بجای شعار محافظه کارانه "دستمزد عادلانه برای روز کار عادلانه" باید شعار انقلابی "امحاء سیستم کارمزدی" را هر پرچم خود بنویسید.

۴ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

سود ویژه حق مسلم کارگران است

در نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر استثمار کارگران است، سرمایه‌داران بمنظور کسب سود بیشتر، سعی در خرید هر چه ارزانتر نیروی کار کارگران دارند. بخش ناچیزی از ارزش بوجود آمده توسط کارگران را بعنوان دستمزد پرداخت نموده و بقیه را که ارزش اضافی نامیده میشود خود بعنوان سود سرمایه تصاحب میکنند. هنگامیکه حرکت قدرتمند کارگران، سرمایه‌داران و دولت حامی آنها را مجبور به عقب نشینی میکند، سرمایه‌داران بمنظور فریب کارگران و تضعیف مبارزات آنها مقدار ناچیزی از ارزش اضافی را تحت عناوین مختلف مثل پاداش اضافه تولید، حق مسکن، حق اولاد، حق خواربار، سود ویژه و... به کارگران پرداخت میکنند تا جلوی مبارزات آنها گرفته شود و وقتی دولت سرمایه‌داران توانست مبارزات کارگران را مرکوب کند، این مزایا را کاهش خواهند داد. این همان سیاستی است که رژیم گذشته بکار میبست و اکنون رژیم جمهوری اسلامی نیز بدان توسل جسته است.

در حالیکه کارگران در سالهای ۵۷ و ۵۸ بر اثر رشد مبارزات خود بیش از چهار ماه سود ویژه دریافت میکردند و این علاوه بر عیدی و پاداش بود، با فروکش کردن مبارزات کارگران بعلمت مرکوب فاشیستی رژیم، سود ویژه پرداختنی بکارگران، توسط دولت سرمایه‌داران طاغوتی شناخته شده و تنها دو ماه و حداکثر مبلغ ۸۵۰۰ تومان بعنوان عیدی و پاداش بکارگران پرداخت میشود. اما رژیم جمهوری اسلامی نیز چون هر نظام سرمایه‌داری دیگر، با حرکت متحد و پولادین کارگران مجبور به عقب نشینی گشته و سود ویژه را افزایش خواهد داد.

کارگران مبارز!

بها خیزید، با ارتباط گیری با سایر کارخانه‌ها، مبارزات خود را متحد ساخته، رژیم سرمایه‌داران را مجبور به پرداخت هر چه بیشتر سود ویژه بعنوان بخشی از ارزش اضافی دریافت نشده خود نمائید. اما بخاطر داشته باشید که دریافت سود ویژه مسکنی بیشتر نیست و تا نظام سرمایه‌داری وجود دارد، همواره حق کارگران پایمال میگردد. نظام سرمایه‌داری و دولت حامی سرمایه‌داران را باید از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون کنید و حاکمیت کارگران و زحمتکشان را مستقر سازید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

کشته‌گان، گوی - تهران



بود، یعنی آنچه که بشکل جمهوری اسلامی متبلور شد. این قدرت - سیاسی جدید به مثابه دولت، جمع اضداد ارگانهای حکومتی بود که بر اساس منافع متضاد و گرایش اصلی از یکطرف و منافع متضاد اقلی درون هر گرایش بویژه گرایش ولایت فقیه از طرف دیگر، تضاد های لاینحلی را در خود داشت که با این ترکیب طبقاتی امکان تثبیت را غیر ممکن میساخت. در همین حال این ارگان بورژوازی با وجود تمامی تضاد های بنیادین درونیش، بنا به ماهیت ارتجاعی و ضد خلقیش، در سر کردن پیشروی انقلاب، در سر کوب مبارزات انقلابی توده ها، در مضمحل نمودن ارگانهای اقتدار توده ای و ... همراستا و هماهنگ عمل میکردند، اگر چه در مورد چگونگی و شیوه های سرکوب انقلاب دارای نظرات خاص خود بودند. به همین دلیل این ارگان سازش به مثابه قدرت سیاسی واقعی از همان بدو امر با "دولت انقلابی توده ها" از در ستیز در آمد و کمر به نابودی آن بست.

ج: گرایش شورائی

گفتم که در هر انقلاب، توده ها به تشکیل دولت خود میپردازند ارگانهای اقتدار توده ای و اساساً شوراهای نمودار نطفه های دولت انقلابی توده ها بود که بویژه پس از قیام گسترش یافت. گرایش شورائی نمودار مضمون و شکل قدرت سیاسی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا است که بصورت کیفی از دو گرایش سابق الذکر متمایز است. این گرایش نمودار نوع جدیدی از دولت است که با توجه به شرایط عینی و ذهنی

قیام بهمن و ...

موجود و طبقات تشکیل دهنده آن در ایران مقدماتاً بشکل جمهوری دمکراتیک خلق سازمان می شود. شوراها و کمیته هایی که عمدتاً پس از قیام بهمن ماه در کارخانه و روستا، در مدرسه و دانشگاه و در میان پرسنل انقلابی ارتش و لایه های تحتانی و میانی اقشاری از خرده بورژوازی تشکیل شد و زوبه گسترش و تعمیق گذاشت نطفه های دولت کارگروان و زحمتکشان شهر و روستا بود. اما این ارگانهای انقلابی توده ای بنا به دلائل مختلفی که فعلاً در اینجا مجال بحثش نیست، اگر چه بطور نا هماهنگ و فریزی در جهت استقرار قدرت دو گانه به پیش رفتند، لیکن بنا به دلائل مختلف و بویژه نبود یک رهبری قوی پرولتری بر آنها این پیشروی متحقق نشد، بلکه با سیاستهای سرکوبگرانه ارگان سازش به نابودی گرایش کارگران و زحمتکشان نتوانستند پس از قیام دولت خود را برپا دارند چه عواملی سبب این عدم تحقق بود؟ شرایط عینی و ذهنی بر چه منوالی بود؟ آیا اساساً زمینه های عینی و ذهنی برای تحقق این نوع دولت در ایران مهیا نبوده و اکنون نیز نیست؟ نقش نیروهای پیشاهنگ در این رابطه چه بود؟ اهمیت پاسخ های مشخصی به این قبیل سوالات در پیشبرد مبارزات جاری توده ها و تحقق پیروزی قطعی انقلاب جای چون و چرا ندارد. تجربه ها و دستاوردهای دوران تدارک قیام بهمن ماه و پس

از آن سانچنان غنی است که هم برای توده و هم برای نیروهای پیشاهنگ، زمینه های مساعدی را در دست یابی به پاسخ های مشخص فراهم نموده است. باشد که در قیام مجدد توده ها این تجربه ها را چراغ راهنمای خود گردانیم به این مساله باز خواهیم گشت.

۱۵۱ هه دارد

برخی از ...

بحران عمیق تر از بحران قیام ۵۷ است و آگاهی توده ها نیز بالاتر، اما هنوز شرایط قیام نمانده نگشته است. البته باید تاکید کنیم که آماده شدن شرایط قیام و تسریع این روند از جانب پیشگامان انقلابی به معنی این نیست که خود نیروها سازمانهای پیشاهنگ بجای مردم قیام کنند، بلکه اساساً باید این حقیقت را کاملاً درک کرد و پذیرفت که قیام کار توده ها است تا زمانیکه شرایط آن آماده نگشته است دست زدن به قیام از جانب پیشاهنگ، به مسلخ کشاندن توده ها است. با متشکل کردن توده ها و بردن شعار های انقلابی و برنامه انقلابی به درون توده ها میبایست به مبارزات آنها تداوم بخشید و از طریق پیشبرد و ارتقاء مبارزات توده ها علیه رژیم سیاستهای وی تبلیغات وسیعی را سازمان داد. اثر ناتوی پرولتری نقش تعیین کننده ای در شکل گیری قیام و پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواستهای واقعی توده ها پر عهده دارد.

سپاه گل، آغاز...

راهپیمائی ۲۲ بهمن...

منفی کرده بودند به شکست کامل کشانیدند و نشان دادند که نه رژیم جمهوری اسلامی را قبول دارند و نه حاضرند بخاطر فاجیع این رژیم، به رژیم منحوس سلطنت روی آورند.

بی اعتنائی و تحریم انقلابی توده های منی بر عدم شرکت آنان در مراسم رژیم نشانگر خشم و نفرت عمیق شان نسبت به رژیمی است که تا کنون جز فقر و فلاکت، کشتار و بی خانمانی، بیکاری و... ارمقانی برای آنان نداشته است و دیری نخواهد پایید که خشم نهفته توده ها به آتشفشانی عظیم بدل گشته و تومار ننگین رژیم جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ سپارد.

اطلاعیه

سازمان در سیستان و بلوچستان می باشد. نشریه بامی استار از مدتها قبل بدلیل تشکیلاتی انتشار نیافته است و اقدامات لازم جهت انتشار مجدد آن بعمل آمده است اولین اقدام عطی ما در جهت انتشار مجدد این نشریه، اعلامیه ایست تحت عنوان "هرما چه گذشت" لذا از کلیه هواداران در منطقه بلوچستان و سیستان و پاکستان میخواهیم با برخورد مسئولانه، اعمال ضد انقلابی و نفر فوق الذکر را افشاء نمایند. هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سیستان و بلوچستان

طبقاتی را موعظه کنند. آنان "صلح اجتماعی" و چشم پوشی از مبارزه طبقاتی و غیره را ترویج می کنند ولی تحت عنوان مارکسیسم اما جای لنین خالی است که ببیند این کمونیست نمایان چگونه با اولین شلاق مارکسیسم لنینیسم دست پخت خود را نیز باسانی نمیکنند.

بهر رو مبارزه طبقاتی مملای دشمنان مارکسیسم لنینیسم را مطرود میسازد اگر رژیم جمهوری اسلامی به حذف فیزیکی آنان اقدام کرده است اما طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان از مدتها پیش دست برد بر سینه این دشمنان کارگران و زحمتکشان زده اند. آنچنانکه شاهد بودیم حزب توده تنها در اقشار مرفه خرده بورژوازی بروکراتها تکنوکراتها و قشر اشراف پرولتری مدافعینی داشت و در آینده نیز تا زمانیکه این قشر اجتماعی وجود دارد حاملین این تفکرات رو ییزو نیستی حال با هر نام و شکلی باز سازی خواهد شد.

واقعیت این است که سرنوشته جنبش کمونیستی ایران پس از ۱۹ بهمن ۴۹ با نام و آرمانهای والای چریکهای فدائی خلق ایران، گره خورده است. باید هر فدائیی به این نقش حیاتی واقف بوده و با تبلیغ و ترویج مواضع انقلابی سازمان به وظایف انقلابی خود تداوم بخشد.

بدانجا پیش میروند که بر آنچه که خود گفته و مدتها تبلیغ و ترویج کرده اند خط بطلان میکشند و همچون مروسکان خیمه شب بازی هر آنچه را که بانها دیکته شود باز گو میکنند. در این رابطه موضع طبقاتی نیز مغلکد دارد، اما این مغلکد در آن مرحله خود را می نماید که فرد در شرایط انتخاب خط و مشی قرار میگیرد.

بعبارت دیگر قبول مواضع انقلابی یا اپورتونیستی بستگی به مواضع طبقاتی افراد دارد. ممکن است که بدلیل عدم آگاهی، اقشار و طبقات بر خلاف مواضع طبقاتی خود به انتخاب خط و مشی بپردازند اما این امر در روند مبارزه طبقاتی آنان را متوجه انتخاب نادرستشان خواهد کرد. رو ییزو نیستی و اپورتونیسم بیکران حزب توده و "اکثریت" انعکاس منافع طبقاتی لایه های فوقانی خرده بورژوازی یعنی پایگاه طبقاتی آنان است و تزلزل و سازشکاری صفت مشخصه بارز این قشر اجتماعی است و با کمونیستهای راستین که مدافع منافع طبقه کارگر و حامل ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم هستند فاصله بسیار دارد. بقول لنینیستین دیالکتیک تاریخ چنان است که بهروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار می نماید که به لباس مارکسیسم در آیند و بجای پیشبرد مبارزه طبقاتی، سازش

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای متوقی و انقلابی



اطلاعیه هواداران سازمان سیستان و بلوچستان

اخیراً دو نفر بنامهای مطا و احمد در پاکستان با استفاده از نام بامی استار (نشریه هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان) به بخش دروغ و اکاذیبی علیه سازمان دست زدند و به دروغ خود را بخشی از تشکیلات "بامی استار" معرفی کردند. احمد از مدت‌ها قبل با چاپ کتابی بنام ادبیات بلوچ در پاکستان به توهم پراکنشی مشغول بوده است و هم اکنون در ارتباط مستقیم با خوانین ضد انقلابی منطقه در جهت تأمین منافع آنها فعالیت مینماید. وی همچنین با منتسب کردن خود به سازمان، مبادرت به جعل مدارکی جهت افراد غیر سیاسی در پاکستان نموده است و از این طریق سعی در بی اعتبار نمودن سازمان در منطقه مینماید. بدین وسیله با اطلاع کلیه هموطنان مبارز، نیروهای انقلابی و هواداران سازمان میسرانیم دو نفر فوق الذکر هیچ گونه ارتباطی با تشکیلات هواداران سازمان در منطقه بلوچستان و سیستان و ارگان بامی استار ندارند. توضیح این نکته ضروری است که بامی استار تشکیلات جداگانه‌ای از تشکیلات هواداران در منطقه نبوده و نشریه هواداران بقیه در صفحه ۱۹

یادداشتهای سیاسی ...

راهپیمائی ۲۲ بهمن شکست سیاسی رژیم

رژیم دارند، خانواده کشته شدگان جنگ که از رژیم مستوری دریافت میدارند و بالاخره مزدوران سپاه و بسیج و کمیته و خانواده هایشان که قشون حزب اله رژیم را تشکیل میدهند و نیروهای مسلح سازمانده از رژیم شاه که به همراه پاسداران جهت رژه نمایشی رژیم گرد آمده بودند و البته فضای وسط میدان آزادی را برای این رژه گذاشتی خالی گذاشته بودند. در ساعات برگزاری مراسم، زندگی روزمره توده ها در نقاط مختلف تهران ادامه یافت و این امر بیانگر این واقعیت بود که توده ها مردم ضمن اینکه در مراسم رژیم شرکت نکردند، آرزوهای موهوم سلطنت طلبان فراری را که از مردم دعوت به خانه نشینی و مبارزه بقیه در صفحه ۱۹

اسال در سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن یکبار دیگر اوج فلاکت و شکست سیاسی رژیم در بسیج توده ها بنمایش درآمد. توده ها مردم بویژه در تهران با عدم شرکت خود در مراسم نمایشی رژیم، خشم و نفرت خود را از خمینی و دار و دسته اش نشان دادند. ی علیرغم تبلیغات وسیع رژیم و تلاشها گسترده اش جهت بمیدان کشیدن توده های مردم و علیرغم بکارگیری شگرد های مختلف، در میدان آزادی از توده های مردم یعنی از کارگران و دیگر زحمتکشان خبری نبود جمعیتی که بسختی میدان آزادی را پر میکرد عبارت بود از: افغانه و عراقیهای پناهنده، جنگزدگانی که تحت پوشش رژیم از اردوگاهها بزرگ آورده شده بودند، معلولین که بشدت وابستگی اقتصادی به

پتک است خون من در دست کارگر

داس است خون من در دست بزرگر

گرامی باد خاطر هفدائیان خلق ترکمن

رفقا تو ماچ، مختوم، واحدی، جرجانی

جنبش کارگری



شرکت دخانیات

آخرین خبر رسیده حاکی از آن است که ۸۰ نفر از کارگران مبارز دخانیات هم اکنون در زندان گوهردشت کرج بسر میبرند و اجازه ملاقات هم ندارند.

بقیه کارگران بعنوان اعتراض به دستگیری همکارانشان همچنان به کم کاری ادا می دهند. رژیم با شگردهای مختلفی سعی میکند تا کارگران را از کم کاری باز دارد. از جمله تعدادی از معلولین و مصدومین جنگ ارتجاعی را به کارخانه آورده است تا با اصطلاح احساسات کارگران را جریحه دار ساخته و آنها از کم کاری دست بردارند.

طبق اخبار متفاوتی که دریافت شده ۳-۶ نفر از کارگران دخانیات اعدام شده اند اما از آنجا که ملاقات باز داشت شدگان ممنوع بقیه در صفحه ۲

جنبش توده‌ای

مقاومت دکه داران در مقابل عوامل رژیم کرج - هفته اول بهمن - ما مورین اداره راه و شهرداری با توافق عده‌ای از پاسداران به جمع آوری دکه‌ها و بساط دست فروشهای کنار خیابان نمودند. در خیابان ۴۵ متری گلشهر دکه‌ها را جمع آوری کردند و در مدت ۲ روز بعد دوباره دکه‌ها با کمی عقب نشینی از محل قبلی، دوباره دکه‌های خود را برپا کردند. مزدوران رژیم همچنین به دستفروشهای سه راه جهان‌شهر که محصول سیب زمینی و پیاز بهین کرده بودند حمله کردند اما با مقاومت شدید دستفروشها مواجه شدند. این زحمتکشانی که شبها را نیز در همانجا و کنار بساطشان بقیه در صفحه ۴

اخبار زندانیان

دیماه ۶۲ - گوهردشت: بعد از ظهر یکی از روزهای دیماه، خانواده‌ها - هائیکه برای ملاقات مراجعه کرده بودند و حدود ۸۰-۷۰ نفر مسئولین و ادار به پرداخت مقداری پول می‌شوند به این بهانه که فرزندان آنها در زندان خرابکاری کرده‌اند و حال خانواده‌ها باید خسارت آنها بپردازند هنگامیکه بقیه در صفحه ۲

اخبار جنگ ارتجاعی

در هفته آخر بهمن ماه رژیم تعداد ۴۰۰۰ نفر را در منطقه مطهری واقع در بهارستان جمع کرده و پس از سخنرانی در مورد شهادت و شهید پیروری بانها ناهار داده و پس از آن یکی از عمال رژیم به مدعوتین میگوید: هدف از آمدن شما در این مکان این بوده است که فرزندان شما در جبهه کشته شده‌اند و ما فقط میخواستیم خبر آنها بشما بدهیم. جنازه کشته شدگان نیز مفقود شده است. یکی از حاضران خطاب به مسئولین این جلسه گفت: شما از هارون - الرشید هم بدترید حتی از قبل به ما اطلاع ندادید! اما مسئولین جلسه با ماستمالی کردن قضایا و اینکه شما نازاحت هستید این مطالب را میگویند و بعد هم پشیمان می‌شوید و ... جلسه را به اتمام رسانید.

در اواسط بهمن ماه سه فروند هوا پیمای ۱۳۰ - ج (باری) حامل موشک و دیگر سلاحها که توسط رژیم از آمریکا خریداری شده است در فرودگاه مهرآباد به زمین نشسته است. حمل محموله توسط کشور ثانی صورت گرفته است.



کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

پارس متال

۱۱/۷ تا ۱۱/۲۸

یکی از شیوه های رذیلانه ای که رژیم بکار میگیرد تا بین کارگران تفرقه افکند طرح مسئله پرداخت پاداش در مقابل اضافه تولید است در یکی از قسمتهای پارس متال که حدود ۳۰ کارگر دارد در مورد افزایش تولید و گرفتن پاداش نتوانستند مانند دیگر قسمتها عمل کنند چون کار در این قسمت مشکل است و افزایش تولید از حد کنونی مقدور نیست و حال آنکه کارگران دیگر قسمتها با اضافه کردن تولید پاداش دریافت میکنند . (لازم بتذکر است که کارگران بدلیل فشارهای شدید اقتصادی تن به اضافه تولید می دهند آن هم در مقابل پاداش و این تاکتیک است که اخیراً رژیم در مقابله با کم کاری کارگران که بشدت گسترش یافته بود بکار میگیرد) این موضوع باعث اعتراض شد . سه نفر از کارگران به سراغ مدیر عامل رفته و موضوع را با او در میان گذاشته و گفتند که ما در نبودن برق یا هوا یا گاز و چیزهای دیگر چون کارمان بالاست دست است تولید میگردیم اما دیگر قسمتها تا برق میزود تولید را می خوابانند و از او خواستند که به افزایش تولید بطور کلی برای عموم کارگران پاداش تعلق گیرد . قرار بر این شد که پس از چند روز مهلت در صورتیکه خواسته آنها بر آورده نشود متحداً تولید خود را پائین بیاورند . در اثر پافشاری کارگران بر این امر سرانجام موفق شدند به این

خواست خود گره در حرفه جامه عمل پوشند و مهندس تولید قول داد که در هر شیفت ۷ ساعت پاداش به هر نفر تعلق گیرد . اما پس از یک هفته این قول تحقق نیافت در بین کارگران دو شیوه بر خورد مشاهده شد عده ای مطرح میکردند که باید بطور دسته جمعی تولید را بمیزان $\frac{1}{5}$ کاهش دهیم و عده ای می گفتند چون قول مساعد داده شده باید بار دیگر تذکری به مدیریت بدیم و اگر عطی نشد به کم کاری متوسل شویم . نامه ای تهیه کرده و بعد بر عامل کارخانه داده شد قرار بر این است که جلسه ای متشکل از ۸ نفر (۴ کارگر و چهار مسئول) و خود مدیر عامل تشکیل شود و به خواست کارگران رسیدگی شود .

دخانیات

بقیه از صفحه ۱ است اخبار دقیق اعدام شدگان ناممکن گشته است از دیگر شیوه های سرکوبخانه رژیم در دخانیات گماردن بسیجی ها در کارخانه جهت کنترل کارگران است و همچنین برای جلوگیری از ارتباط کارگران شیفت های مختلف ساعات کار بگونه ای تنظیم شده که پس از خروج کامل کارگران شیفت اول کارگران شیفت دوم بسرکار می آیند .



تولیدارو

مدتی است که بدلیل بالا بودن میزان تولید و فشارهای روزافزون دیگر بر کارگران ، درگیری بین کارگران و سرپرستها هر روز بعد تازه ای میگیرد و حادث تر میشود . فشار سرپرست بخشها برای تولید بیشتر و زورگوییهای آنان مقاومت کارگران را در مقابل آنان بشدت برانگیخته است بطوریکه آنها ناچار شدند در اعمال فشار بر کارگران تجدید نظر کنند زیرا که اعتصاب و خانیات بشدت آنها را به وحشت افکنده است . و از یک ماه پیش تا کنون سیاست فریب و تحمق را در پیش گرفته اند باینصورت که به کارگران میگویند همه باید با هم همکاری کنیم تا تولید افزایش یابد و با شیوه بر خورد ریاکارانه و بظاهردل سوزانه اتخاذ کرده اند . از دیگر ترفند های آنها اینست که مرتب جای کارگران را با یکدیگر عوض میکنند و سرپرستها هم مرتباً جابجا میشوند . همچنین استخدام روز مزد ها بشدت ادامه دارد در میان آنان تعداد زیادی حزب الهی و جاسوس وجود دارد حتی بعضی از آنها وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند . انتخابات شرکت تعاونی مصرف کارگران :

روز ۲۶ / ۱۰ / ۶۲ انتخاباتی به منظور تعیین اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره فروشگاه تعاونی برگزار شد . تعداد زیادی از کارگران با در انتخابات شرکت نکردند و با شرکت کرده و رای سفید بقیه در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزان ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

کارخانجات مینو

خرمدره - پس از جدا شدن کارخانجات مینو خرمدره از گروه صنعتی پارس، داود الدوسی به عنوان مدیر امور اداری شرکت انتصاب میشود. الدوسی قبلاً مدیر امور اداری شرکت مینو جاده کرج بود. در آنجا موجب نارضایتی کارمندان و کارگران بوده و با مدیران شرکت نیز اختلاف داشت. وی از اقوام خوشینی مدیر کارخانه است و توسط وی به کارخانه آورده شده است. الدوسی اخیراً بخشنامه‌های صادر کرده که مضمون آن چنین است:

اضافه کاری‌ها کم میشود و در ثانی تماس تلفنی با بیرون کارخانه قطع میشود و هیچکس حق ندارد با خارج از کارخانه تماس داشته باشد (توضیح اینکه رژیم و عمال با اضافه کاری صد درصد موافقت اما با پرداخت حقوق اضافه کاری مخالف دارند) بخشنامه‌های فوری موجب نارضایتی کارگران و کارمندان شده است و اعتراضاتی را برانگیخته است. همچنین کاهش لوازم شرکت تعاونی و میزان سهمیه کارگران یکی دیگر از موارد نارضایتی کارگران است.

یکی از اشکال مقاومت کارگران در مقابل عمال-رژیم و ابزار مخالفت با رژیم عدم شرکت کارگران در نماز با اصطلاح وحدت است بطوریکه مدیریت کارخانه تصمیم گرفت نماز وحدت را ماهی دو بار اجرا کند که باز هم با عدم استقبال کارگران مواجه شد و سرانجام انجمن اسلامی طی اطلاعیه‌ای یادآور

شد که ما دو ساعت برای نماز را جزو ساعات کار حساب میکنیم و کسانی که به نماز نیایند باید این دو ساعت را سرکار باشند که باز هم با بی‌اعتنائی کارگران مواجه شد.

ایران ناسیونال

اخیراً در ایران ناسیونال هیئت مدیره را منحل کردند و یک هیئت مدیره و مدیر عامل جدید جایگزین کرده‌اند یکی از اعضای هیئت مدیره جدید بنام حاج آقا عطری نژاد هنگام خروج از کارخانه ۵ حلقه لاستیک پیکان با رنگ آن در داخل صندوق عقب اتومبیل خود گذاشته و قصد خارج شدن از کارخانه را می‌نماید نگهبان که متوجه موضوع شده از او می‌خواهد که صندوق عقب اتومبیلش را باز کند و مسئله رو میشود وی میگوید می‌خواستم ببینم متوجه میشوی یا نه؟ نگهبان موضوع را گزارش کرده و این دزدی بصورت اعلامیه در پیکان شهر منتشر میشود و انجمن اسلامی کارخانه که بشدت از تاثیرات این دزدی در کارگران به وحشت میافتد بسرعت اعلامیه‌ها را جمع آوری میکند. لازم به توضیح است که صفری مدیر عامل قبلی کارخانه نیز با ۶۰ میلیون تومان دزدی از این کارخانه و بر ملا شدن این دزدی ناچار به برکناری میشود.

صنایع دفاع

هنرستان صنایع دفاع دیماه - این هنرستان در رژیم گذشته تأسیس شد اما پس از انقلاب

تعطیل شد و امسال دوباره شروع بکار کرده است و شاگردان جدید گرفته. شکل انتخاب شاگردان به این صورت بوده که پس از کنکور و امتحان ایدئولوژیک و تحقیق در مورد خانواده و حتی فامیلهای داوطلب او را انتخاب میکردند. با این فکر که دیگر مخالفی راه و روی نداشته باشد. شرایط هنرستان مانند ارتش سخت است و مدیریت آن نیز با ارتش است. چندی پیش (حدود اواسط دیماه) یکی از دانش‌آموزان بر روی عکس خمسه که در راهرو هنرستان نصب شده بود با خود کار سیبل کشید. بمحض رسیدن خبر آن به مدیریت آنها همه دانش‌آموزان را به حیاط آورده و فردی از حفاظت ارتش حاضر شد و خواستار معرفی فردی شد که به عکس جلاد جماران توهین کرده است و چون جوابی نشنید همه دانش‌آموزان هنرستان را وادار به سینه خیز، کلاغ پسر، بنشین و پا شو برای مدتی طولانی کرد و سپس بار دیگر گفت: یا کسی را که این کار را کرده معرفی کنی یا اینکه باید تمامی برفهای محو را لیس بزنی و باز هم هیچکس سخنی نمیگوید این حرکت از صبح تا ظهر ادامه یافت سرانجام هنرجویی که برای خمینی سیبل کشیده بود برای اینکه دیگر هنرجویان را از فشار و شکنجه بدر آورد خود را معرفی کرد. از هنرجوی فوق تا کنون خبری در دست نیست و مزد و ران رژیم او را به زندان منتقل کرده‌اند.

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

تولیدارو

دادند. در یکی از بخشها کارگران می گفتند: "برای ۲ تا پفک نمکی رای بدیم؟ قابل ذکر است که تعاونی فوق الذکر مواد مورد نیاز کارگران را ندارد و اگر هم جنسی میآورد از طریق پارتنی باری به نور چشمها تحویل میگردد. خبر دیگری از تولید ارو حاکی از آنست که اخیراً تابلوی جدیدی جلوی کارخانه نصب شده با عنوان "شرکت سهامی خاص... و نصب این تابلوید بجهت است که دولت تصمیم به بازگرداندن کارخانه به سهامداران اولیه آن گرفته است و از آنها دعوت بعمل آورده تا بایران برگردند.

در این رابطه سرپرست یک قسمت ضمن بیان و تأیید بازگشت سرمایه داران این واحد تولیدی و برای آماده سازن کارگران به پذیرش سرمایه داران فراری شرکت مطرح کرده است که آنها آدمهای خوبی بودند مگر بد کاری کردند که یک کارخانه تا همین کردند تا عدهای کارگر مشغول کار شوند؟ گویا که سرمایه داران نه برای استثمار کارگران که برای رفع بیکاری دست به احداث کارخانه زده اند!



اخبار زندانها

ملاقات آغاز میشود، فرزندان در بند آنها به پرداخت پول اعتراض میکنند و متذکر میشوند که این مزدوران اخیراً "جیره غذایی را کاهش داده و به نصف رسانده اند، میوه نمیدهند و وضع بهداشت و درمان فزاینده است. اسفبار است و تازه بول در ب شکسته دستشویی زندان را هم از شما میگیرند و از خانواده های خود خواستند که از پرداخت پول به این مزدوران خوداری کرده و صدای اعتراض آنان را بگوش جهانیان برسانند. قابل ذکر است که زندان کوهردشت همان زندانی است که پس از قیام پر شکوه خلق در بهمن ۵۷ فیلمی از ساختمان نیمه تمام آن نشان داده شد و از جنایات شاه و ساواک در مورد توسعه زندانها سخن های بسیار توسط سردمداران رژیم گفته شد اما همین زندان سرعت تکمیل گشت

جنبش توده‌های

میخواهند، به ما مورین و مزدوران رژیم گفتند: با این سرما و با این سختی در اینجا میسازیم تا زندگیمان را بگذاریم و شما نمی‌توانید ما را بیرون کنید. ما پول بدهید که شکم خانوادمان را سیر کنیم تا اینجا را تخلیه کنیم اما ما مورین شهرداری و دیگر سرکوبگران که گوششان بدهکسار نبود قصد داشتند با لودر آنجا را درهم بکوبند که یکی از دست فروشها با سنگ ترازوی ۳ کیلویی به راننده لودر حمله کرده از ناحیه سر و صورت او را بشدت مجروح کرد و ما مورین که چنین دیدند

و هم اکنون یک از مخوف ترین زندانیان رژیم است که عمدتاً زندانیان مقاوم در آن به بنس کشیده شده اند شکنجه بطور مداوم اعمال میشود تا روحیه زندان در هم شکند اما همه کوششها رژیم در برانودن آوردن فرزندان دلاور خلق تا کنون با شکست کامل مواجه بوده است.

قرلحصار - با وجود اینکه اکثر زندانیان محکومیتشان مشخص است اما رژیم برای جلوگیری از حرکات اعتراضی و همبستگی زندانیان به بهانه های مختلف زندانیان را دستجمعی مورد ضرب و شتم قرار میدهند. اما روحیه مقاومت و مبارزه جوئی انقلابیون، این فرزندان راستین خلق مزدوران رژیم را به وحشت افکنده است. درود بر تمام انقلابیون در بند که با حماسه آفرینی های خود دشمن زیون را از پای در آورده اند.

میدان را خالی کرده رفتند. غار نیز متواری شد اما دیگر همکاران بعد از تاراندن ما مورین رژیم هر چنان در همان محدوده کار خود ادامه میدهند.

رژیم جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت ضد خلقی اس قادر به پاسخگویی به خواستهای توده ها و از جمله بیکاری گسترده نیست. میخواهد با جمع کردن دهک داران و سرکوب آنان و فشار هر چه بیشتر بر آنان این زحمتکش را وادار به رفتن به جبهه ها یا مزدوری در کمیته ها و سپاه و... نماید اما این ترغیب ها کاری از پیش نخواهد برد.

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد

درگیری وزارت کشور و شهرداری

چندی پیش وزارت کشور که در ضلع جنوبی پارک شهر واقع بود تصمیم گرفت تا ساختمان شهرداری را که همان ساختمان حزب رستاخیز شاه بود از شهرداری بگیرد و شهرداری به محل وزارت کشور منتقل شود با این موضوع کارمندان شهرداری بشد مخالفت کردند و حتی دست به اعتصاب زدند اما علیرغم مقاومتی که از جانب شهرداری صورت گرفت و طرح مسائل که چگونه امکانات و کارمندان یک ساختمان وسیع و ۱۹ طبقه به ساختمان ۹ طبقه وزارت کشور منتقل شود و یا طرح این مسئله که با این حرکت باردیگر شهرداری به شعبات متعددی تقسیم شده و از سرعت کارها کاسته میشود سرانجام وزارت

کشور با فلداری تمام این ساختمان را از حنک شهرداری بد آورد و اثاث خود را بانجا منتقل کرد و کارمندان شهرداری نیز عده ای به محل قبلی وزارت کشور رفتند و عده ای به خیابان ایرانشهر و عده ای به میدان ونک محل ساختمانهای جدید شهرداری منتقل شدند و بخش نیز هنوز محل کارنار مشخص نشده است حال مردمی که برای کار کوچکی وارد شهرداری میشوند ناچارند از شعبه به شعبه دیگر برای یک امضاء و . . . مراجعه کنند . در گیر و دار درگیری بهسیر وزارت کشور و شهرداری ، شهرداری استعفا داده و شهرداری موقت نیز که موافق حرکت وزارت کشور است منسوب شدند در این بین

همچنین در یکی از سالن های ساختمان شهرداری (خیابان فاطمی) منفذ میشود و موجب آتش سوزی شد و مقداری از مدارک طرفین در آتش می سوزد . پس از استقرار وزارت کشور در ساختمان شهرداری سرپرست موقت شهرداری استعفا داده و پستی در وزارت کشور میگیرد .

از جمله مسائلی که در مورد این جا بجائی ها مطرح است اینک ساختمان فوق که متعلق به حزب رستاخیز بوده مجهز به باند فرود هلی کوپتر در پشت بامش میباشد و همچنین از لحاظ ایمنی و امنیتی امکانات مناسبی دارد و اصرار وزارت کشور نیز بر این مبنا بوده است .

که قصد مسافرت به شهرهای شمال را داشتند در شهر رشت توسط پاسداران دستگیر میشوند و بهبانه نداشتن مدارک لازم یک شب بازداشت و فردای آنروز آزاد میشوند و زادامه مسافرت منصرف شده و به تهران باز میگردند . همان شب

زن جوان در حمام خانه خود کشی کرده و در نامه ای که از خود بجای میگذارد علت خود کشی خود را تجاوز ۵ پاسدار در شب دستگیری اعلام کرده است . شوهر وی پس از این حادثه دچار بیماری روانی شده است . این نیز نمونه دیگر از جنایات و فجایع مسافرتی در

گوشه ای از جنایات مزدوران رژیم

که میافتد و سپس اجساد مزدوران پاسداران میبرند در حالیکه ماشین و کودک آنها در محل باقی ماند . اینگونه اعمال که بطور روزمره در کوچه و خیابان اتفاق میافتد از بی شمار جنایاتی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بکار میگیرد تا بهر نحوه شده تفکرات ارتجاعی خود را به مردم تحمیل نماید

در یکی از روزها با اصطلاح دهه فجر پاسداران مزدور ، جلوسوی مائینی را گرفته و به پوشش شوهر و آرایش خانم ایراد میکنند ، شوهر وی میگوید بسیار خوب رعایت می کند ولی پاسداران می گویند باید خانم با ما بیاید و اقدام به بردن او بزور میکنند . شوهر این خانم با اعتراض برخاسته و به زد و خورد با آنها میرد ازد که با شلیک یک گلوله کشته میشود در این هنگام خانم شروع به اعتراض کرده و از مردم استمداد میطلبد که ماشین گشت دیگری سررسیده و چون سعی پاسداران در بردن او بجائی نمیرسد با و نیز گلوله شلیک کرده

جدول تعداد شرکت کنندگان در مسیروهای تعیین شده از سوی رژیم ترکیب آنها، نوع شعارها

در مراسم فرمایشی رژیم در ۲۲ بهمن - تهران

نوع شعارها	تعداد شرکت کنندگان	ترکیب افشاراد	زمان	منطقه
مرکز آمریکا و شوروی میچنگیم میچیریم سازش نمی پذیریم	۶۰۰۰-۸۰۰۰	تعدادی افغانی - حزب الهی و دانشمندی که عجله داشتند عملیات نظامی را ببینند	۱۰ صبح	خیابان نواب تا میدان آزادی
شعار داده نمیشد	۴۰۰۰ نفر	حزب الهی و لنین ها بسیجی ها بهر مردان ۴۰-۵۵ ساله خرده بورژوازی مرفه سنتی	۱۱-۱۰ صبح	سه راه آزادی - خیابان قزوین
درود بر خمینی - مرد پر آمریکا و صدام	۵۰۰ نفر	مردان و زنان حزب الهی و بسیجی تیپ های لنین با حرکات خاص خود	۱۰ صبح	میدان قزوین تا میدان انقلاب
_____	۵۰۰-۴۰۰ نفر	عده ای با وانت و اتوبوسها ترکیب ذکر شده در بالا	۱۰/۵ صبح	خیابان کارگر - جمهوری
_____	_____	هیچ دسته ای وجود نداشت وزندگی عادی حریان داشت	۹/۵ صبح	جمهوری
نوار آهنگران را گذاشته بودند	۲۰۰-۱۵۰ نفر	ترکیبهای خانوادگی حزب الهی جلوی آنها یک آخوند	۹/۴ صبح	فردوسی
_____	_____	_____	۱۰ صبح	"عشرت آباد و سرباز"
_____	_____	_____	۱۰ صبح	"طالقانی"
اکثر "در حال سوار شدن به اتوبوسهای رژیم	۲۰۰۰ نفر	ترکیب حزب الهی خانوادگی	۱۰ صبح	میدان امام حسین
مسلمان قیام کن و...	ابتدا ۳۰-۴۰ نفر از انتهای پیچ شماران ۸۰۰-۱۰۰۰ نفر	افراد مسن و بازاری خرده - بورژوازی سنتی و لیبیا و حزب الهی	۸/۵ صبح	سید خندان بطرف پیچ شمیران

لازم به یاد آوری است که این جدول بیانگر تمامی شرکت کنندگان نیست زیرا رژیم معلولین و جنک زدگان را مستقیماً به مراسم برده و همچنین پاسداران و کمیته جی ها و ارتشیان از اولین ساعات صبح در میدان آزادی برای برگزاری رژه جمع شده بودند و حدود ۱۰۹۰ نفر از زندانیان بعلاوه تعداد زیادی محافظین آنها را برای پر کردن صحنه نمایش کذائی خود آوردند اما این جدول نشان دهنده آن نقاطی است که رژیم اعلام کرده بود مردم در آن نقاط جمع کرده و راهپیمایی نمایند میزان و ترکیب شرکت کنندگان کویای این واقعیت است که توده های وسیع مردم مراسم فرمایشی رژیم را تحریم کردند.